





کمیسیون عرایض رسیده است. قرائت میشود.

(رایرت کمیسیون عرایض مرخصی راجع برخصی یکماه آقای سیددار اعظم - شرح ذیل قرائت شد)

آقای سیددار اعظم بعلت تألمات و ابتلای بیاراض بتجوز اطباء بشیران انتقال یافته و تقاضای یکماه مرخصی برای استعلاج نموده و ضمناً حقوق یکماه خود را بیکتاب خانه مجلس اختصاص داده اند. کمیسیون غیبت یکماه ایشانرا تصویب مینماید.

رئیس - باید رای گرفته شود.

آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (افلب قیام نمودند)

رئیس تصویب شد.

رایرت دیگری است قرائت میشود.

(رایرت کمیسیون عرایض راجع برخصی چهارروزه آقای شیخ عبدالرحمن - شرح زیر قرائت شد)

آقای آقا شیخ عبدالرحمن بواسطه ابتلای برض کبد کتباً تقاضای چهل روز مرخصی نموده بودند. کمیسیون با مشاوره تصویب مینماید که ازدم سرطانات تا مدت چهلروز برای استعلاج آقای آقا شیخ عبدالرحمن غیبت نموده و درمدت مزبور غایب با (اجازه ثبت شوند.

رئیس - رای گرفته میشود. آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.

(افلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس تصویب شد.

جلسه ختم میشود جلسه آتی را از طرف آقای سردار معظم پیشنهاد شده است عصر قراردهیم.

آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده تذکر میدهم خاطر آقای سردار معظم را که خودشان عصر در کمیسیون گرفتارند و گمان میکنم سایر آقایان هم گرفتار باشند و اگر عصر بیکار بودیم بیب نداشت ولی چون گرفتاریم و کاردر کمیسیونها زیاد است خوبست و پیشنهاد خود را مسترد دارند.

سردار معظم - بنده اصراری ندارم که جلسه عصر باشد تصور میکنم که مطالبی مطرح شده است و یک سلسله حرفهائی که درخور هر کس گفته شده است باید زود تر جواب داده شود ولی حالا اصراری ندارم روز سه شنبه جواب میدهم.

رئیس جلسه آتی روز سه شنبه دستور اولاً اعتبارنامه آقایان امیر احتشام نظام التولیه سردار نصرت و تراقی بعد پیشنهاد آقای سردار معظم راجع بصورت مشروح مجلس در درجه سوم سه فقره رایرت کمیسیون میتکرات راجع صحیح . و دومی استیضاحی چمن کمال آباد در درجه چهارم لایحه کمیسیون بودجه راجع حقوق متعلمین وزارت جنگ بعد لایحه المانی تبریر برضضال

و غیره و رایرت کمیسیون و رایرت قوانین مالبه آقای حاج عز الممالک (اجازه)

حاج عز الممالک - اگر چه دستور مفصل است ولی بنده تقاضا میکنم که موضوع دیگری را هم جزء دستور بگذارند که اگر موقع نشد جزو دستور بعد شود و آنرایرت دیگر کمیسیون قوانین مالبه است راجع بنباشگاهها آنرا هم خواست میکنم جزو دستور گذارند.

رئیس - لایحه للمصالح تبریر را عرض کردم.

حاج عز الممالک - دو فقره بود.

رئیس - در صورتیکه وقت باقی باشد این دو لایحه هم جزو دستور میشود آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده عرض میکنم این لایحه که از طرف آقایان حجج اسلام راجع بظرف ازا اول رسیده و جزو دستور بود نمیدانم چه شد که از دستور خارج شد استدعا میکنم جزو دستور بگذارند که تکلیفش معلوم شود.

رئیس - مگر جلسات قبل تشریف نداشتند که مراجع شعب شد شبات باید تشکیل شود تا تکلیف این لایحه و سایر لوایح دیگر معلوم شود.

آقای حائری زاده - (اجازه)

حائری زاده - در جلسه سابق سؤالی داشتم از وزارت عدلیه اجازه بینه داده شد ولی وقت نشد.

رئیس - راجع بدستور اگر فرمایشی دارید بفرمائید.

حائری زاده اینهم که عرض میکنم راجع بدستور است چون خواستم تقاضا کنم که آقایان وزراء تذکر داده شود که در جلسه بعد برای جواب سئوالات حاضر شوند.

رئیس آقای کازرونی.

(اجازه)

کازرونی - عرضی ندارم.

رئیس آقای قائم مقام (اجازه)

قائم مقام - بنده هم عرضی ندارم.

رئیس آقای تدین (اجازه)

تدین - با چیزهایی که در دستور معین شد مخالفتی ندارم ولی راجع روز سه شنبه عرضی دارم چون کمیسیون فقط بنا است روز سه شنبه تشکیل شود و دو ماده هم بیشتر از آن باقی نمانده و بملاوه از نقطه نظر اینکه شاید جلسه علنی پنجشنبه موکول شود کمیسیون را برای روز سه شنبه خبر کرده اند این است که بنده پیشنهاد میکنم جلسه آتی با هم دستبندستور پروز پنجشنبه موکول شود.

رئیس - رایرت کمیسیون و رایرت قوانین مالبه آقای حاج عز الممالک (اجازه)

رئیس - ابتدا رای به پنجشنبه بعد عصر سه شنبه. آقایانیکه پنجشنبه را تصویب میکنند قیام فرمایند.

(افلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - پس جلسه روز پنجشنبه است آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده خواستم عرض و خرج ملکیتی و راجع بقانون بندی که امروز جزو دستور بود چون مجال نشد امروز از آنها مذاکره شود. استدعا میکنم جزو دستور جلسه آتی بگذارند که اگر در آن جلسه وقت نشد در جلسات بعد در دستور بیاید.

رئیس - آقای شریعت مدار (اجازه)

شریعت مدار - بنده هم راجع به لایحه آقایان علماء اسلام که آقای حاج میرزا عبدالوهاب فرمودند خواستم عرض کنم.

رئیس - آقای سردار معظم (اجازه)

سردار معظم - عرض بنده راجع بدستور نیست راجع بکمیسیون قوانین مالبه است که میخواهم عرض کنم.

رئیس - اگر مجلس اجازه می دهد بفرمائید.

(بعضی از نمایندگان جلسه ختم شده است)

سردار معظم - یک مطلبی است که مجلس شورای ملی منتظر است زودتر رایرت آن بمجلس بیاید و در کمیسیون هم مذاکره شد که هر چه زودتر رایرت آن بمجلس فرستاده خواهد شد و چون کمیسیون تأخیری در تقدیم این لایحه کرده است خواستم علناً برض مجلس شورای ملی برسانم و ضمناً آقای وزیر مالبه سئوالات کنم لایحه میزنی را که گویا هیئت وزراء فرستاده اند چرا زودتر بمجلس نفرستند.

رئیس - آقای دستغیب (اجازه)

دستغیب - بنده نیتانم در سئوالات چقدر باید طول بکشد و در نظامنامه یک ماده مخصوصی راجع باین موضوع نیست تقریباً دو ماه میشود که بنده سئوالاتی کرده ام و آقایان وزراء یا برای جواب حاضر نشده اند یا اگر حاضر شدند مجال برای دادن جواب نشده است. تمنای میکنم بفرمائید یا احضار بفرمائید که تشریف

بیاورند و جواب سئوالات را بدهند که لائال از يك ماه که مدت برای استیضاح است. جواب سئوالات بیشتر طول نکشد.

(مجلس صبح بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی

**مؤتمن الملک**

**جلسه ۳۳**

**صورت مشروح مجلس**

**یوم پنجشنبه دوازدهم**

**تبرج سرطانات ۱۳۰۴**

**مطابق بیست و نهم ذی**

**قعدة ۱۳۴۳**

مجلس سه ساعت قبل از ظهر براسات آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید.

(صورت مجلس یوم یکشنبه هشتم سرطانات را آقای آقا میرزا شهاب الدین قرائت نمودند)

رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب بعد از صورت مجلس مرضی دارم.

رئیس نسبت بصورت جلسه مغفلی نیست؟

آقا سید یعقوب - بنده مرضی دارم.

رئیس - بفرمائید.

آقا سید یعقوب در صورت مجلس نوشته شده صلح دولت خوب است بنویسند صلحیه دولت.

رئیس اصلاح میشود.

آقای حاج میرزا عبدالوهاب راجع به مطلب است.

حاج میرزا عبدالوهاب - مرض بنده راجع به ظرافت بود که بنابود جزو دستور بشود خواستم ببینم رایرتش از شب آمده است یا خبر و جزو دستور خواهد شد یا نه؟ یکی هم راجع بآن کمیسیونی بود که برای رسیدگی برضضال نواقص معین شده بود خواستم ببینم رایرتش را بمجلس تقدیم کرده اند یا خبر؟

رئیس - اولاً بنابود کوقتی امری بشجاعت مراجع میشود رایرت بدهند برای این مرجع میشود. سکه تبادل نظر بشود و در واقع بوقتی که لایحه جزو دستور میشود خاطر آقایان باشد بعد مطرح شود.

ثانیاً راجع بآن کمیسیونی که میفرمائید آن کمیسیون برای رسیدگی برضضال راجع بنواقص نبود و راجع بمطلب دیگری بود.

راجع بامری بود که مربوط بنظامنامه بود و حالا هم کمیسیون مشغول مذاکره است.

حاج میرزا عبدالوهاب - پس بنده استدعا میکنم این است که طراز جزو دستور بشود.

رئیس - آقای مرانی (اجازه)

مرانی - بنده میفرمایم همون فرمایشی را که حضرت آقای رئیس فرمودند عرض کنم.

گفیل وزارت فوائد عامه - قانون توجیه اوزان و مقادیر که در پروگرام هیئت دولت ذکر روهده داده شده بود تقدیم مجلس بشود اینک تقدیم میشود.

رئیس - بکدام کمیسیون باید مراجع بشود؟

(جمعی از نمایندگان - جمعی بکمیسیون فوائد عامه)

رئیس - آقای حاج میرزا علیرضا (اجازه)

حاج میرزا علیرضا - بنده در این موضوع مرضی نداختم.

رئیس - بکمیسیون فوائد عامه رجوع بشود؟

(جمعی از نمایندگان - بلی)

رئیس - مغفالی ندارد؟

(بعضی از نمایندگان کان خیر)

رئیس - آقای حاج میرزا علیرضا بفرمائید.

حاج میرزا علیرضا - بنده پیشنهاد میکنم اعتبارنامه هائیکه جزو دستور بود بماند برای بعد از نسیس.

(جمعی از نمایندگان - صحیح است)

رئیس - نسبت ببیشنهاد آقای حاج میرزا علیرضا مغفالی هست یا خیر؟

(گفته شد خیر)

رئیس - رأی میکنم آقایانیکه با پیشنهاد ایشان موافقت قیام فرمایند.

(جمع سکتیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد.

آقای مشار اعظم (اجازه)

مشار اعظم - با پیشنهادیکه آقای امیر اعظم راجع با اداره صحیه داده اند بنده مخالفت نیست و خود بنده هم موافقم که امور صحی همان طوریکه چاپ نظر ایشان را گرفته است باید بوزارت داخله رجوع شود و معلوم نیست که از ابتداء یعنی بعد از انحلال وزارت صحیه چه چیزی موجب شده که امور صحی از وزارت داخله منتقل بوزارت معارف شده شاید در آن وقت یک جهات خصوصی یعنی تخصص آقای امیر اعظم بامور صحی باعث این شده است که امور صحی در تحت نظر ایشان (که آنوقت وزیر معارف بودند) بوزارت معارف ارجاع شود این مسئله در موقع خودش بمل آمده. حالا هم گذشته است ولی به از انحلال وزارت صحیه مناسب این نبود که امور صحی بوزارت داخله ارجاع شود چون وزارت داخله و ماوردین آن در ولایات در اینکار بیشتر متوانه وقت بکنند مانند حکام نظمیها، بلدهها، ماوردین امنیه، اینها تماماً بنقاط خودشان میتوانند در این موضوع مطابق عملیاتیکه با آنها میرسد

بنیشنهاد آقای سردار معظم راجع به طبع صورت مشروح مجلس مطرح است خودشان که تشریف ندادند.

آقای شیخ الرئیس (اجازه)

محمد هاشم میرزا - شیخ الرئیس - چون خود پیشنهاد کننده حاضر نیستند گمان می کنم اگر بک غیبت کردرا مقدم بدارند بهتر باشد تا خود پیشنهاد کنند. بنده میباید دفاع بکنم.

رئیس - مغفالی ندارد؟

حاج ملک التجار - بنده که ملتفت شدم ایشان چه فرمودند.

رئیس - فرمودند چون آقای سردار معظم که پیشنهاد کنند مستند حاضر نیستند بمانند تا ایشان بیایند.

محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس - بلی بجا بد تا یکساعت دیگر که خود پیشنهاد کنند هم بیایند.

رئیس - رایرت کمیسیون میتکرات مطرح است راجع ببیشنهاد آقای امیر اعظم (رایرت مزبور بشرح ذیل قرائت شد)

شیر از کمیسیون میتکرات بمجلس مقدس شورای ملی

کمیسیون میتکرات طرح قانونی آقای امیر اعظم را راجع بانقزال اداره صحیه بوزارت داخله قابل توجه دانسته و پیشنهاد مینماید بکمیسیون معارف و داخله مراجعه شود.

رئیس - خاطر آقایان را متوجه می کنم رائی که گرفته میشود راجع بقابل توجه بودن است.

آقای مشار اعظم (اجازه)

مشار اعظم - با پیشنهادیکه آقای امیر اعظم راجع با اداره صحیه داده اند بنده مخالفت نیست و خود بنده هم موافقم که امور صحی همان طوریکه چاپ نظر ایشان را گرفته است باید بوزارت داخله رجوع شود و معلوم نیست که از ابتداء یعنی بعد از انحلال وزارت صحیه چه چیزی موجب شده که امور صحی از وزارت داخله منتقل بوزارت معارف شده شاید در آن وقت یک جهات خصوصی یعنی تخصص آقای امیر اعظم بامور صحی باعث این شده است که امور صحی در تحت نظر ایشان (که آنوقت وزیر معارف بودند) بوزارت معارف ارجاع شود این مسئله در موقع خودش بمل آمده. حالا هم گذشته است ولی به از انحلال وزارت صحیه مناسب این نبود که امور صحی بوزارت داخله ارجاع شود چون وزارت داخله و ماوردین آن در ولایات در اینکار بیشتر متوانه وقت بکنند مانند حکام نظمیها، بلدهها، ماوردین امنیه، اینها تماماً بنقاط خودشان میتوانند در این موضوع مطابق عملیاتیکه با آنها میرسد

بفوریت عمل نمایند چون در مسائل صحی چیزیکه بیشتر قابل توجه بیشتر است همان اقدامات فوری و آنی است و اگر اقدامات آنی و فوری بعمل نیاید غالباً يك امراض سری در ملک منتشر میشود که خسارت آن معلوم است و محتاج بتوضیح نیست ولی در همین حد باید توجه داشت يك نکته دیگر و آن انشائی است که در این ماده واحده شده . چون مفهوم ماده واحده مربوط بسائل کلی است این است که بنده هم مخالفتم را در حین کلیات برض میرسانم . در اینجا نظر ببیشنهاد کنندگان این است که امور صحی در تحت نظر و نظرو تعلیمات فنی مجلس حفظالصحه انجام شود مجلس حفظالصحه تشکیل شده است از چندین اسم اعضاء مختلف يك اعضاء اصلی دارد و يك اعضاء ذی حق و يك اعضاء هم دارد که بیشتر کند در شور و مشورت ولی صاحب رأی نیستند آن اعضاء اصلی عبارتند از یکسده اطباء ایرانی و نمایندگان وزارتخانه و بده نمایندگان صحی سفارتخانه ( چون کلیه ماوردین سیاسی که بایران میانند يك طبیعیم همراه دارند) که آنها هم در مجلس حفظالصحه ما بردوا یعنی عضوی حق هستند و دررائی که مجلس حفظالصحه میدهد اظهار نظر بنمیتوانین موضوع خیلی قابل توجه است چون غالباً مسکن است از طریق امور صحی يك نظریات بیستکی هم دربارۀ موارد اجرا بشود باید این موضوع را خیلی رعایت کرد در موقع حضور هم در مجلس حفظالصحه خیلی اتفاق می افتد که در بین اعضاء اصلی اطباء و کتران ایرانی حضور ندارند و ممکن است اطباء خارجی و نمایندگان خارجه حضور داشته باشند چون در آنجا هم برای اکثریت اعضاء و مشاورین مدخلیت دارد این است که باید خیلی رعایت کرد که يك نظری خارج از حدود امور صحی اجرا نشود و این موضوع را باید خیلی اهمیت داد و در نظر گرفت که هم منظور ببیشنهاد کنندگان معترف بعمل بیاید و هم بیا یک اشکالاتی که معتدل الوقوع است. مواجه نسویم ماده واحده که آقای امیر اعظم پیشنهاد کرده اند این است که (امور صحی عمومی هم از امور صحی سرحدی یا امور صحی داخل صلیک و مریش خانها و حفظالصحه حیوانات کلیه تا زمان تأسیس وزارت صحیه در تحت نظر و تعلیمات فنی و اداری مجلس حفظالصحه دولتی و تابع وزارت داخله باشد) حالا بنده آن قسمت وزارت صحیه را توجیه ندارم چون عموماً مطرح نیست و حالا در آن باب نباید حرف زد و این جا هم گمان می کنم نوشتن لزومی نداشته است احتیاج بوزارت صحیه داریم یا نداریم آن در موقع خودش باید مذاکره بشود اما اینکه نوشته شده در تحت نظر و تعلیمات فنی و اداری مجلس حفظالصحه دولتی و تابع وزارت داخله خواهد بود در اینجا

اگر این عبارت را تغییر بدهیم بنویسیم امور صحی عمومی هم از امور صحی سرحدی یا امور صحی داخلی ملک و مریش - خانه ها و حفظالصحه حیوانات و کلیه مربوط به وزارت داخله است و مجلس حفظالصحه در این باب نظریات خواهد داشت بهتر و مناسب تر خواهد بود دیگر در تحت نظر و تعلیمات فنی و اداری مجلس حفظالصحه دولتی ضرورت ندارد برای اینکه اساساً باید دانست که وزارت خانه در امور مشغول هستند و اگر بوقت قصوری در امور صحی بشود از مجلس حفظالصحه کسی نمیتواند سئوال و استیضاح کند و باید از وزیر مسؤل سئوال شود.

بنابراین بقیه بنده باید وزارتخانه را مسؤل دانست و امور صحی را مجلس حفظالصحه با نظر وزارت داخله (که در تحت نظر اوست) انجام بدهد و البته جعی هم ندارد که وزارتخانه از اجرای نظریات مجلس حفظالصحه خودداری بکنند مقصود این بود که نمایندگان معترف این نکته را در نظر داشته باشند غیر از این نظر دیگری ندارم ببیشنهادی که در این خصوص بنظر برسد تقدیم میکنم.

اخگر مغیر کمیسیون - باینکه آقای رئیس تذکر دادند که فقط در قابل توجه بودن این پیشنهاد مذاکره خواهد شد معذرا آقای مشار اعظم در کلیات ماده يك مذاکره فرمودند خلاصه مقصد آقای دکتر امیر اعظم موافق توضیحاتی است که در کمیسیون دادند اینست که الان يك اداره صحیه در وزارت معارف هست و يك اداره صحیه دیگری که جزو مجلس حفظالصحه دولتی است در وزارت داخله است و البته تصدیق میفرمائید که وجود دو اداره برای يك کار تولید اشکال و اسباب زحمت فراهم میکند.

بملاوه وقتیکه از ولایات بوزارت داخله راجع بیک مرض سری تلگرافی میرسد چون اداره صحیه در وزارت معارف است وزارت داخله ناچار است کافدی به وزارت معارف بنویسد وزارت معارف هم با اداره صحیه مراجعه میکند اداره صحیه بمجلس حفظالصحه دولتی رجوع میکند دو مرتبه میگردد بوزارت معارف و از آنجا میاید بوزارت داخله و البته در این مدت مکاتبات طول خواهد کشید و آنچه آن سرخ سری باید بکنند میکنند.

بنابراین کمیسیون میتکرات بطور کلی این پیشنهاد را قابل توجه دانست ولی چون صحیه در وزارت معارف است و سابقه این کار در وزارت داخله است اینست که لازم دانست این پیشنهاد بکمیسیون معارف و داخله هر دو مراجعه بشود و نظریات آقایان اعضاء این دو کمیسیون هم در این موضوع ملحوظ شود بعد رایرتش بیاید به مجلس آن وقت اگر این مطلب تئیراتی نکرده باشد آقایان در کلیات یا جزئیاتش میتوانند بحث کنند.



جمعی از نمایندگان مذاکرات  
کافی است)  
رئیس - آقای کازرونی  
(کازرونی حاضر نبودند)  
امیر اعلم - بنده يك توضیحاتی باید  
بدهم . . .  
رئیس - بعد از يك مخالف باید  
بفرماید . . .  
(جمعی از نمایندگان -  
مذاکرات کافی است)  
رئیس - باید رأی بگیریم آقایانی که  
مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند  
(جمعی قیام نمودند)  
رئیس - معلوم میشود کافی نیست .  
(آقای کازرونی وارد شدند)  
رئیس - آقای کازرونی  
کازرونی - بله  
رئیس - راجع پیشنه آقای امیر اعلم  
اسم تان را جزو مخالفین ثبت کرده‌اید ؟  
کازرونی - بله  
رئیس - بفرماید .  
کازرونی - پیشنه آقای امیر اعلم مبنی  
بر دو موضوع است .  
یکی این است که اداره صحت که در  
تحت نظر و امر وزارت معارف است برگردد  
به وزارت داخله .  
دیگر اینکه اداره صحت در تحت  
نظر و امر مجلس حفظ الصحت باشد اول  
باید مجلس حفظ الصحت را تشخیص بدهیم  
که چه چیز است و چه سستی دارد؟ مجلس  
حفظ الصحت يك مشاوره است که مسئول  
هیچکس نیست و مسئولیت ندارد و تقریباً  
يك مجلس بین المللی است مرکز از  
نمایندگان صحت داخله و خارجه که در امور  
صحت عمومی مشاوره میکنند و اگر بنا باشد  
که مادامه صحت را که الان مسئول وزارتخانه  
متبوه است در تحت نظر و مراقبت مجلس  
حفظ الصحت که فرستاده است قرار بدهیم  
هیچ منطقی نخواهد داشت .

يك اداره که در امور صحت داخلی  
مملکت باید ذی‌رأی و ذی نظر باشد نمی  
تواند تابع رأی يك مجلسی باشد که تقریباً  
حالت بین‌المللی را دارد و اینکار در واقع  
ایجاد کابینولاسیون میکند در امور صحت  
داخلی مملکت و همه میدانند که اصولاً این  
کار خوبی نیست و نتیجه خوبی نخواهد داد  
و اما انضمامش بوزارت داخله اینجه لازم  
میدانم تا اندازه که مستحضر و مطلع هستم  
مرايضم را بسمع آقایان برسانم .  
يك وزارت صحت داشتیم در موقتیکه  
آقای امیر اعلم وزیر معارف شدند همچو  
تجویز فرمودند که امور صحت را از استقلال  
آن وزارتخانه صحتیه وزارت معارف بشود  
و نقطه نظرشان هم البته این بوده که چون  
اداره صحت يك اداره علمی و فنی است  
باید در تحت نظر وزارت علوم باشد چون  
وزارت معارف دارای هر صحت و هر صفتی که  
باشد اقلاً متصف بسمت وزارت علوم هم  
هست و در آنجا مسائل علمی بیشتر از سایر  
وزارتخانه مطرح میشود و البته باید تشخیص  
چیزهاییکه مربوط بعلوم است وزارت معارف  
بدهد .  
حالا نمیدانم آن فائده مهی که از  
این تغییر و تبدیل پیدا میشود چه چیز  
است ؟  
قایت امر اینست که می فرمایند اگر  
يك امری اتفاقاً راجع بیک مرضی در یکی  
از اقطار مملکت بروز و ظهور بکنند رسماً  
بایستی بوزارت داخله مراجعه شود و وزارت  
داخله باید بوزارت معارف بگوید آنوقت  
جریان اینکار طول میکشد بنده مرض بکنم  
فقط فرقی که هست مراجعه وزارت داخله  
بوزارت معارف است و الا جریان وزارت  
معارف هم مثل جریان است که در وزارت  
داخله پیدا میشود و فرقی نمی کند و همین  
بطور جریان در مورد وزارت داخله هم  
هست .

اگر چه بنده خواهش کرده بودم آقایان  
نمایند گاهی که این پیشنه را امضاء نموده  
اند اگر میل دارند در خارج از بنده  
توضیحاتی بخواهند تا بنده جواب مرض بکنم  
در حال بنده توضیحاتی عرض می کنم  
دیگر - بسته بنظر آقایان نمایندگان  
است .  
البته آقایان در نظر دارند آنوقت  
که پروگرام هیئت محترم دولت در اینجا  
مطرح مذاکره بود بنده يك اظهاراتی  
راجع بوخامت اوضاع صحت مملکت عرض  
کردم و اظهار امیدواری کردم که انشاء  
پرووی دارای يك وزارت صحت قانونی  
خواهیم شد و منتظر هم بودم که این پیشنه  
از طرف هیئت دولت با تعیین محل معارف  
آن تقدیم مجلس شود و تا کنون هم در این  
انتظار هستم بطوریکه بنده اطلاع دارم  
البته غالب آقایان هم مستحضر اند اوضاع  
صحت ما از دو سه سال باین طرف بعد  
پیشانی و گرفتاری رسیده است و بنده  
و جماناً مجبور بودم نظریات خود را بشکل  
يك پیشنه در آورم و تقدیم مجلس شورای  
ملی بکنم که انشاء الله تا تأسیس يك وزارت  
صحت امور صحت از این پیشانی خلاص  
شود و يك تمرکز پیدا کند و از این همه  
تلفاتی که از اطراف داده میشود و آقایان  
نمایندگان ولایات بهتر مطلعند تا اندازه  
چلو گیری بشود و پولهایی که باین صحت  
مالیه برای صحتیه تخصیص داده میشود بجهل  
خود صرف شود .  
پیشنه بنده هم چیز تازه نیست هیچ  
سال بود که صحت به هیئت ترتیب اداره می  
شد ولی برای اینکه خاطر نمایندگان محترم  
از امور صحت بهتر مستحضر شود لازم  
است که از تاریخچه تأسیس مجلس حفظ الصحت  
مختصری عرض کنم:  
از سنه هزار و سیصد و بیست و يك اگر  
چه در سابق امور صحت ما خیلی مهم بوده  
است و دارالشفاهای بزرگ داشتیم علمای  
دانشمند داشتیم ولی از چهل پنجاه سال  
باین طرف امور صحت ما رو بانحطاط  
گذاشته و تاسه هزار و سیصد و بیست و يك  
هجری در ایران يك اداره صحت وجود  
نداشت در پاشخت اغلب متولین هر کدام  
يك طبیب خانوادگی داشتند و بعضی اوقات  
هم که امراض مهلك از قبیل وبا و طاعون  
در سرحدات شیوع پیدا میکرد چند نفر  
از اطباء پایتخت را بطور موقت جمع می  
کردند و مشورت میکردند سكه چه باید  
بکنیم و این انجمنی که موقتاً جمع شده بود  
البته نمی توانست چلو گیری کند و امراض  
تلفات زیاد در مملکت وارد می‌آورد .  
حتی در پایتخت هم گذشت های هولناك  
میکرد بطوریکه مآخذ تاریخ میشد مثل  
وبای اول ، وبای دوم .  
این تلفات برای این بود سكه يك  
تأسیسات صحتی صحتی نداشتم و چون  
نداشتم از نقطه نظر صحتی دیگرانهم

ما را بر سمیت نمی شناختند یعنی صحت ایران  
رسماً شناخته نشده بود تا سنه هزار و سیصد  
و بیست و يك بطوریکه اگر يك كشتی بنا بود  
بسرحدات ایران بیاید بایستی قیلا بود  
به بنادر دیگران و از اطبای آنها جواز  
بگیرد تا حق داشته باشد بیاید به بنادر ایران  
البته تصدیق می فرمایند که این ترتیب  
اندازه برای ما مقرر بود تا اینکه در زمان  
وزارت امور خارجه مرحوم مشیرالدوله صدر  
اعظم دولت در صدد برآمد که اقداماتی بکند  
این ترتیب ناگوار را بر طرف نماید .  
چون هر کفرانهای بین المللی سابق ( چون هر  
چند سال بیک مرتبه يك کفرانس بین المللی  
صحتی تشکیل میشود ) چون ما ترتیب  
صحتی درستی نداشتم نماینده ایران میرفت  
ولی متأسفانه بسکوت میگذرانته و هر چه  
دیگران میگفتند اونمی توانست جواب بدهد  
تا در وزارت خارجه مرحوم مشیرالدوله صدر  
اعظم دولت جدا در صدد تکمیل امور صحتی  
خود برآمد و در سنه هزار و نهمه و سه که  
يك کفرانس بین المللی در پاریس منعقد  
شد در آنجا بعد از چهار روز مذاکرات  
دولت توانست حقوق مشروعه خودش را  
مسترد بدارد یعنی صحتی دولت ایران بر سمیت  
شناخته شد و روی آن جمله که در عهدنامه  
های قدیم ما از این حق محروم کرده بود  
قلم زده شد و این خدمت یکی از خدمات  
مهمه وزارت خارجه مرحوم مشیرالدوله صدر  
اعظم است که شاید تا کنون مکتوم مانده بود و  
بنده افتخار میکنم که در این کفرانس  
نماینده دولت ایران بودم و توانستم افکار  
هاله و تعلیقاتی را که آن مرحوم بنده داده  
بود بپوش اجراء بکنم و پس از آنکه دولت  
این حق را گرفت برای اینکه نشان بدهد  
افکار و کردارش توأم است در توسعه و ترقی  
صحتی خود خیلی سکوش کرد و بموجب  
پیشنه مرحوم مشیرالدوله قرار شد يك  
اداره صحتی مهمی در ایران تشکیل شود  
و فرمانی صادر شد که يك اداره صحتی که  
هم ترتیبات صحتی سرحدات را منظم بدارد  
و هم امور صحتی داخلی را رسیدگی کند تشکیل  
شود و چون آن مرحوم خیلی با امور صحتی اهمیت  
میدانند قرار شد که يك هیئت مشورتی هم  
این اداره صحتی داشته باشد و اسم آنرا یعنی  
اداره كل صحتی و هیئت مشورتی را کلیتاً  
مجلس حفظ الصحت دولتی گذاشتند مثل این  
که در سایر دولت ها همین ترتیب هست و  
اداره صحتی شانرا مجلس حفظ الصحت می  
گویند و همین صحتی ایران هم باسم مجلس  
حفظ الصحت دولتی در تمام دنیا شناخته شد  
تا کنون هم چه امور صحتی داخلی و چه  
سرحدات در تحت نظریات و تعلیقات و  
مسئولیت این مجلس اداره میشود در اینجا  
این اشتباه شده است که میگویند مجلس بین  
المللی است .

اولا این مجلس مال ایران است و  
مجلس حفظ الصحت مرکزی ایران است  
چنانکه در دوره دوم در هیئت مجلس شورای  
ملی ( اداره صحتی كل ایران ) شناخته شده  
الته در نظر آقایان هست که در قانون آبله  
کوبی هم دو ماده هست که بنده یادداشت  
کرده ام مینویسم :  
و جوهریکه از بابت عشر نواقل عاید  
میشود بمجلس حفظ الصحت مرکزی دولتی  
پرداخته شود و در تحت نظر مجلس مزبور  
بصرف باید برسد  
پس این اداره صحتی سكه با هیئت  
شوریتش توأم بمجلس حفظ الصحت است  
و آنرا بمجلس دوره دوم بر سمیت شناخته است  
همین اداره بوده اگر اداره صحتی  
دیگری بود البته میگفت بآن اداره داده  
شود اینجا نباید اشتباه کرد سكه وقتی می  
گویند مجلس حفظ الصحت دولتی تصور  
نشود يك اداره مشورتی است غیر اینها  
يك معلینی هستند که ماهی يك مرتبه از آن  
ها دعوت میکنند و اما اینکه فرمودند  
اروپایی هستند غیر اینها اغلب معلین دارالفتون که  
از خارج خواسته ایم هستند و البته  
باید از افکار صائبه آن ها در امور صحتی  
استفاد .  
مکتبم مسیو نیار را ما  
خواسته ایم برای تأسیس انستیتو یاستور  
البته او را باید در آن هیئت مشاوره دعوت  
کرد و متلاً توسط ساختن سرمایه برای  
چلو گیری از امراض مسریه و از نقطه نظر  
میکرو بیولوژی علم شناختن میکروب و  
چلو گیری از امراض حیوانات از فکر او  
باید استفاده کرد .  
بهر صورت اغلب آنها معلین هستند  
بلی در این ضمن نیز از اطبای هم که در  
سفراتخانه ها هستند دعوت میکنیم و اینها  
هم فقط و فقط از نقطه نظر فنی اگر چیزی  
بخطراتشان بیاید بمامی بگویند و ما هم از آنها  
می پذیریم و بنده تکذیب میکنم فرمایشات  
آقا را یعنی آقا اطلاع نداشتم در خارج  
بآقای کازرونی گفته شده است که این  
مجلس حفظ الصحت بمجلس بین المللی  
است .

خیر این مجلس ایرانی است و دعوتی هم  
که میکنیم از نقطه نظر نژاد است .  
تا وقتیکه وزارت صحتی تشکیل شد تمام  
کارها با مجلس حفظ الصحت بود و با وجود  
لاقیدی و عدم توجه عمومی بامور صحتی و  
با داشتن فقط سه هزار تومان اعتبار که  
در سال تجاوز نمیکرد و کمتر هم داده میشد  
مجلس حفظ الصحت خدمات مهمه کرده  
است .  
اولاً آن کشتار که از وبا و طاعون  
میشود حتی چنانکه عرض کردم مبداء تاریخ  
شده از آنها چلو گیری شده است و در قسمت  
های دیگر هم در ولایات کبیسو نهایی باثلی  
قوام السلطنه .  
حالا وقتی در خارج گفته می شود که  
وزارت صحتی را بنده منحل کردم بنده  
ناچارم تکذیب بکنم  
بنده يك آدم دیگناوری نبودم که  
هر وزارتخانه ای را بخواهم منحل بکنم .  
خیر مجلس چهارم از چندین نقطه نظر آنرا  
منحل کرد .  
یکی اینکه شاید گفته شد این باید  
قانونی بشود و باید از مجلس بگذرد .  
ثانیاً بیشتر برای این بود که پول نبود  
و از نقطه نظر بودجه ای بود برای اینکه  
امور صحتی که بشصه تومان اداره می شد  
یک صفر اضافه شده بود و شده بود شش  
هزار تومان و این اداره مرکزیش بود در  
صورتیکه برای ولایات چیزی منظور نشده  
بود پس بنده جداً تکذیب میکنم و کاملاً  
خودم موافق تأسیس وزارت صحتی هستم .  
این انتشارات که در بیرون می دهند  
صحتی نیست .  
آدمیدم در کابینه آقای قوام السلطنه  
که بنده عهد دار وزارت معارف شدم  
بنده گفته شد چون شما خودتان وزیر  
معارف هستید شاید بهتر باشد در مجلس  
حفظ الصحت بودجه اش را از طریق وزارت  
معارف بکنند برای اینکه بودجه اش را  
بیاورد بنده چنانکه همان وقتیکه هم که  
پروگرام دولت مطرح بود عرض کردم  
شاید آنوقت نظرم این بوده که بشصه  
بهرتر است و شاید قانوناً هم مراجعه نکردم  
بودم که امور صحتی با وزارت داخله است  
ولی فوراً ملتفت شدم و برپیش دولت عرض  
کردم که این يك اشتباهی است و باید همان  
ترتیبی که برقرار بوده باشد در این لایحه  
که در دوسال و نیم پیش طرح  
کرده بودم و برای بعضی از آقایان نمایندگان  
دوره چهارم هم که بعرضشان اینجا شرف  
حضور دارند فرستادم و پیشنه حایله را  
اسمش را میگویند مجلس حفظ الصحت مثل  
اینکه میگویند انجمن بلدی کاری گرد آن  
آن قسمت اداری است که آنکارا کرده  
نه آن قسمت مشورتی البته آن قسمت مشورتی  
بنده هم میدانم مسئول نیست حالا چون  
مسئله فقط راجع بقابل توجه بودن است  
اینقدر توضیح دادم که خاطر آقایان نمایندگان  
مسیوق باشد بعداً اگر معالفتی شد باز برای  
توضیحات حاضر . ( جمعی گفته اند مذاکرات  
کافی است )  
رئیس - رأی گرفته میشود بقابل  
توجه بودن پیشنه آقای امیر اعلم و جمعی  
از آقایان . . .  
مشاور اعظم - باید بعد از آقای امیر اعلم  
يك مخالف حرف بزند .  
بعضی از نمایندگان خیر لازم نیست مذاکرات  
کافی است .  
رئیس - رأی می گیریم بصفحات  
مذاکرات . . .

از خارج همه اجیر میکنند بعضی نشاط  
مثل شهریار و سواجبلاغ و جاهای دیگر هست  
که در آنجا هر بیست سال یک مرتبه اهالی  
عوض میشوند و بعضی دهات هست که پنج  
سال به پنجسال همه تلف میشوند و دوباره  
از جاهای دیگر جمع میشوند  
باید آقایان در نظر بیاورند از  
اینجا تا خراسان که دوست فرسخ  
راه است دوست نفوس کنگه  
سكه سه زوار داده شد و در  
راهها نیست هم چنین اگر تمام ولایات و  
ملحقاتان را حساب کنیم خیلی وحشت -  
انگیز است باید نظر نمایندگان در امور  
صحتی همین مسائل باشد و منظور وقتیکه  
مایک مریض داریم و طفلان مریض است  
البته مشورتی نمیکنیم طبیب میآوریم و  
باید دانست که این حس در مسافر ها و زواری  
هم که پیاده میروند هست که در راه بچه و  
عیالش خودش که ناخوش هستند يك کاری  
بکنند و يك دوای بدهند بنده این توضیحات  
را عرض کردم برای اینکه آقایان مطلع  
باشند اینکه میگویند مجلس حفظ الصحت  
رسمی دولت ایرانست و بین المللی نیست و  
بنام و در تحت عنوان مجلس حفظ الصحت  
اداره صحتی هست که هیئت مشورتی هم دارد  
و وقتیکه میگویند مجلس حفظ الصحت فلان  
که در تحت مسئولیت وزارت داخله است  
اینکار را کرده است البته بنده هم آنقدر  
ملفت هستم که يك هیئتی که برای مشورت  
میآیند و متلاً از آنها میبرند که مالارایا  
چطور چلو گیری باید کرد او میگوید  
کنه کنه دادا و مشورتی نیست مسئول آن هیئتی  
است که اداره است و پول میگیرد و در مقابل  
حقوقیکه میگیرد مسئول است بعلاوه رئیس  
حفظ الصحت پیشنه مسئول است و دولت فرمان  
شاه همین میشود و در تیره دولت مسئول است  
پس این يك اداره كل صحتی است و يك اداره  
مشورتی هم با و مربوط است و هر دو توأم  
حضور دارند فرستادم و پیشنه حایله را  
اسمش را میگویند مجلس حفظ الصحت مثل  
اینکه میگویند انجمن بلدی کاری گرد آن  
آن قسمت اداری است که آنکارا کرده  
نه آن قسمت مشورتی البته آن قسمت مشورتی  
بنده هم میدانم مسئول نیست حالا چون  
مسئله فقط راجع بقابل توجه بودن است  
اینقدر توضیح دادم که خاطر آقایان نمایندگان  
مسیوق باشد بعداً اگر معالفتی شد باز برای  
توضیحات حاضر . ( جمعی گفته اند مذاکرات  
کافی است )  
رئیس - رأی گرفته میشود بقابل  
توجه بودن پیشنه آقای امیر اعلم و جمعی  
از آقایان . . .  
مشاور اعظم - باید بعد از آقای امیر اعلم  
يك مخالف حرف بزند .  
بعضی از نمایندگان خیر لازم نیست مذاکرات  
کافی است .  
رئیس - رأی می گیریم بصفحات  
مذاکرات . . .







خواهند کرد.

حاج میرزا عبدالوهاب - و سایر دوسه ها .

آقای میرزا شهاب - البته با سایر دوسه ها بنده در جلسه گذشته چند چیز عرض کردم یکی این بود که انجمن نظار هم یعنی انجمن اولیه بدون مجوز قانونی تعطیل و منحل شده ادله ای هم برای اثبات مدعای خودم ذکر کردم و گمان میکنم که برای خلاف قانونی بودن این عمل دلایلی هم لازم نباشد فقط بنده باید ثابت کنم که انجمن اولیه که به تصویب و رضای اهالی و تصویب سه نایب - الحکومه که در آمدت تغییر کرده بود و بتصویب ایالت تشکیل شده بود آن انجمن را برخلاف قانون منحل کردند فقط بنده باید این قسمت را ثابت کنم البته آن کسی که جایز میداند تعطیل انجمن نظار و انحلال آنرا ادله اقامه کردن بر جواز این عمل و ذکر مواد قانون برای اینکه این عمل من جائز بوده است بعینه اوست و الا برای بنده فقط اثبات اینکه انجمن اولیه منحل شده کافیت و محتاج نیست که ادله هم ذکر کنم و اگر بغوا هم ذکر کنم می گویم که انجمن استرآباد را خواستند منحل کنند ولی دولت و وزارت داخله که مسئول صحت انتخابات بودند تفریق کردند و تلگراف کردند که این عمل خلاف قانون است .

یک قسمت دیگر اینستکه معلین که برای انتخابات باطراف فرستاده شده بود و آن معلین بتصویب نایب الحکومه وقت و تصویب انجمن بوده است آنها را منحل و تبعید نموده اند در صورتی که هیچ مجوز قانونی نداشته

این قسمت را هم بنده ایستی ثابت کنم که نایب الحکومه معلین را بتصویب کرده است حالا بنده چه شده است که آنها را نتوانسته اند و اخراج و تبعید کرده اند دلیل آنرا باید از طرف خواست این یکی از کاغذهاست که آقای دیوان بیگی در آنوقت که حکومت بر ما داشتند به انجمن می نویسد .

انجمن معترم نظارت بم مراسلات نمره یک و دو واصل گردید انقاد انجمن و تعیین هیئت رئیسه پرتیبی سکه اطلاع داده اند شایان تریک است انتخاب شش نفر که برای عضویت انجمن معلی نظار نماشیر صورت داده اند چون اینجانب آنها را نمی شناسم انجمن البته با ائزاز معلی مثل آقا سید علیخان رعایت گرفته دیگر منقصت و مانعی ندارد مبلغ پنجاه تومان هم سکه جهت خرج انجمن نظارت نماشیر تقاضا نموده اند همینکه اعتبار مخارج انتخابات حوزه انتخابیه بم و توابع رسید حواله خواهد شد .

حکومت دیوان بیگی

از این ورقه که خواننده شد همچو فهییده می شود که برای انجمن نظار بم تقریباً یک اعضای معین کرده بودند آقای دیوان بیگی می بیند من اعضای انجمن را نبشنامس ولی باید معلی مثل آقا سید علیخان بفرستید و من الانفاق آقا سید علی خان را هم فرستاده اند حالا بعد چه شده است که آقا سید علی خان را احضار کرده اند نمی دانم .

( خطاب با آقای دیوان بیگی ) این سند خود جناب عالی است .

دیوان بیگی - بعد جواب عرض می کنم .

آقای میرزا شهاب - بک قسم از هرایش بنده را صورت مجلس انتخابات بم که فرستاده اند اینجا مهر دولت محل را هم ندارد و فقط هفت مهر دارد تأیید میکند که بر خلاف قانون انتخابات ( که می بایست صورت مجلس را حکومت محل مهر و امضا بکنند ) صورت مجلس مهر حکومت را ندارد همین صورت مجلس دلیل صحت هرایش بنده است .

حالا میخوانم آقایان گوش بدهند به بیئنه همین طور که بنده عرض کردم شده است یاخیر ( انجمن نظارت انتخابات به شرح ذیل از طرف کفیل حکومت بم بمصدق گردید .

در تاریخ بیست و هشتم ذی قعدة اهلانی منتشر گردیده و از هشتم ذیحجه لغایت ۱۸ شهر مزبور برای دادن تعرفه و اخذ آراء مقرر گردید .

آقا شیخ محمد سالار اسعد میرزا سید محمد خان ناصر الممالک آقا میرزا عبداللہ خان معتمد العلماء آقا شیخ محمد علی تاجریزدی .

و از تاریخ چهاردهم محرم انجمن برای دادن تعرفه دائر و تعرفه داده شد ولی نظر بشکایات واصله از دوسه در انتخابات از طرف ایالت جلیه آقای دیوان بیگی بست مفتشی انتخابات معین و پس از وصول بمحل و تقشش انتخابات معلوم گردید که انجمن نظار انتخابات مطابق قانون تشکیل یافته )

حالا ان قسمت را خواندم و بقیه اش را هم میخوانم .

انجمنی تشکیل میدهند چنانکه سابقاً هم عرض کردم .

خود دیوان بیگی منقصل میشوند میروند بکرمان .

سالار اسعد کفیل نایب الحکومه میشود بعد او را هم منقصل میکنند حکومت را میدهند بسردار مجل و او هم نایب الحکومه را میدهند .

بیرادر خودش و او هم انجمن را منحل میکنند و آنوقت شروع بدان ن تعرفه میشود و از چهاردهم محرم شروع بدادن تعرفه بنمایند آنوقت مردم از دوسه در انتخابات

شکایت میکنند که بنده هم همان شکایت را دارم .

اهالی بم هم که یکسال است شکایت میکنند همین شکایت را دارند از طرف دولت بایات امر میشود که دسایس جلوگیری شود از طرف ایالت دیوان بیگی که خودشان هم در اثر شکایات مردم منقصل شده بودند و عین شکایات اینجا هست دوباره مأموریت میدهند که بروند برای تقشش انتخابات ایشان تشریف میبرند و انجمن نظارت انتخابات بم را منحل میکنند که در اینجا مینویسد

( در بیست و ششم محرم انجمن تشکیل آید و دعوتی از طبقات شد ) آنوقت هیچ ذکر نمی کنند که اعلان منتشر کردند و مقررات قانونی را مراعات کردند یا نه . فقط می گوید که از تاریخ بیست و ششم برج سنبله انجمن مشغول بدادن تعرفه شده و در تاریخ اول برج میزان دادن تعرفه تمام شد .

در یک حوزه که جمعیت آنرا خودشان بهتر می دانند چقدر است انجمن اولیه مقدار زیادی تعرفه داده بود در دفعه ثانی که انجمن اولی را منحل و انجمن ثانی را تشکیل دادند در عرض چهار روز صد تعرفه دادند .

آقا میرزا علی کازرونی هفت روز آقا میرزا شهاب - در ظرف چهار روز چهارصد تعرفه داده آتیم یکی و بچه اشخاص بهمان اشخاصی که در تلگرافات مکرر فرات شد و بدعام شاید فرات شود .

و در تاریخ اول برج میزان دادن تعرفه تمام شده و از تاریخ سوم برج میزان تا تاریخ ششم اخذ آراء بعمل آمده و در نقاط ثلثه هم ترتیبات قانونی دادن تعرفه و اخذ آراء بعمل آمده )

خوب الحمدلله اینجا باید متشکر بود که گذری از ترتیبات قانونی کرده حالا چه ترتیب بوده است البته آنها می گذریم بوده اند بهتر میدانند بنده که در بم نبوده ام . ( دریم ترتیبات قانونی به عمل آمده ) (( حالا در مدت چند روز تعرفه داده و گرفته اند معلوم نیست .

( ترتیبات قانونی بعمل آمده و صدایق آراء نقاط که مهور بهر اعضا انجمن های جزو بود بم آورده شد و در تاریخ بیست و نهم شهر صفر مطابق هجدهم برج میزان )

اینجا دوم مرتبه از برچی نقل شده است بیه قمری ( حکم توقیف انتخابات و اصل و صدایق آراء نقاط جزء مهوراً ضبط گردید تا اینکه در تاریخ هفتم حوت تلگراف ایالت جلیه راجع برقع توقیف انتخابات واصل و بنا بر این در تاریخ ۲۱ رجب مطابق هشتم برج حوت انجمن نظارت منقذ و آراء ماخوذه را که در صدایق مهور و مضبوط بود استخراج

نموده و از ۲۷۷۷ رای آقای امیراحشام با اکثریت ۲۱۵۳ رای بنمایند کی حوزه انتخابیه بم انتخاب گردید )

باز اینجا ناچارم یک قدری تاریخ بگویم چون مقصود ضبط تاریخ و قضاوت آقایان است .

در اثر شکایات متوالی اهالی که عرض کردم مدت ها در تلگرافخانه متحصن بودند دولت انتخابات را امر بتعطیل یا توقیف داد تا رفتن مفتش و رسیدگی کردن بان همانطور که خود این ها نوشته اند در هجدهم میزان امر بتوقیف انتخابات شد و در جلسه گذشته هم عرض کردم حالا اگر چه تکرار میشود ولی چون مسائل مربوط به هم است تکرارش عبی ندارد .

هیجدهم میزان از طرف دولت امر بتوقیف انتخابات شد .

آقای سردار آتجاهائی را که توقیف نشدنی بود توقیف کردند ولی امر بتوقیف نکردند تا بیست و چهارم به موجب تلگرافات شکایات اهالی که اینجا است ( اگر چه ایشان تکذیب می کنند ) انتخابات ادامه داده شده بود و آنوقت توقیف کردند حالا این جا میگویند با مرایات جلیه از توقیف خارج شد .

بسیار خوب البته اینجا یک سؤال و جوابی راجع باین قسمت است که از وزارت داخله تلگراف می کنند بایات کرمان که عین تلگراف خوانده میشود ( ایالت جلیه چون انتخابات بم بر حسب امر دولت وقت توقیف و تا بحال بر رقع آن امری داده نشده است بنا بر این هر گونه عملیاتی را که حکومت کرده باشد لغو است ) چون دولت و وزارت داخله در اثر یک شکایات موجهی انتخابات را توقیف کردند برای اینکه یک تحقیقات و یک تقشش در اطراف این عمل بکنند و ببینند چه چیز باعث شده که این همه شکایت تولید شده است این بود که انتخابات را توقیف کردند بالاخره بموجب تصورات هائی که عرض کردم و آقایان ملاحظه کردند از طرف ایالت امر میشود که انتخابات از توقیف خارج و آراء خوانده شود همان آرائی که گرفته بودند و در صندوق ریخته بودند و توقیف شده بود حالا آراء چه بوده بماند پس از آنکه راپورت بوزارت داخله میرسد وزارت داخله این تلگراف را بایات می کند هر عملی که حکومت محل کرده است لغو است برای اینکه بدون اجازه دولت این کار را کرده است ایالت وقت جواب میدهند ( وزارت جلیه داخله ۱۶۹۶ رقع توقیف انتخابات بم سوجب تلگراف ۱۶۸۵۶ مورخه چهارم حوت حضرت اشرف رئیس الوزراء عظام بعمل آمده و بر حسب امر معظمه ب حکومت بم دستور داده شده است که انجمن

نظارت را ادامه و آراء توقیف شده را استخراج نمایند مشارالیه هم همین ترتیب رفتار و نتیجه بر عرض رسیده است ۱۵ حوت ۱۳۰۲ عبداللہ حسین

در جلسه گذشته عرض کردم که بر فرض اینکه ایشان معتقد بودند که توقیف انتخابات خلاف قانون است میباید نپذیرند و بعد از آنکه پذیرفتند به تلگرافی که از غیر مجرای قانون باشد نمیتوانند متوسل بشوند بخصوص این تلگرافی را که اینجا اشاره میکند ۱۶۸۵۸ در این دوسه های ارسال از کابینه ریاست وزراء اصلاً همچون نمره وارد این دوسه نشده بنده برای اینکه دوسه تکمیل شده باشد و خردشان برای اینکه سندی در مقابل ادعاهای بنده داشته باشند و ارائه بدهند تلگراف را خواستند ولی در دوسه نبود از طرف اداره تقشش هم خواسته شده است و بنده چندان مطمئن نیستم که همچو تلگرافی اصلاً وجود داشته باشد پس تا این تلگراف هم نماند مانی توانیم در این موضوع یک قضاوتی بکنیم برای اینکه رقع توقیف را موکول میکنند به تلگرافی که بنده عرض کردم که از غیر مجرای قانونی است تلگراف ۱۶۸۵۸ که تا آن تلگراف را مانعیم که مضمون آن چه بوده است گمان نمیکنم که آقایان بتوانند در خصوص این انتخابات قضاوت بکنند - بقیه صورت مجلس

( پس از آن انجمن یک هفته برای اخذ شکایات و یک هفته برای رسیدگی بشکایات دائر بود در ظرف هفته اولی لایحه اعتراضیه واصل شد که عین آن منضم بهمین ورقه است )

و نمیدانم کجا است ( پس از رسیدگی بمواد شکایات اگر چه انجمن امهار ذیل لایحه را نتوانست بشناسد معیناً جواب هر یک از مواد اعتراضیه را بطوری که باطلاع معترضین رسیده ذیلاً اشعار میدارم )

خیلی انجمن خوبی است که در یک نقطه مثل بم که همه اهالی تقریباً همدیگر را می شناسند و سایل تعریف و معرفت کامل موجود است تازه مینویسد ورقه اعتراضیه که رسیده است آنهم از اشخاصی که آنقدر دوسه ها را پر کرده اند از امهار و شکایاتشان آنوقت تازه امهار تورق را نشانخته اند آنوقت این دلیل بر حسن نظری و بی غرضی انجمن نظار نیست که این ورقه را نوشته اند آن آراء هم از همان جمعیت بوده است

( جواب اول - بطوریکه اظهار داشته اند حکومت های وقت صحت تشکیل انجمن های سابق را تصریح ننموده اند لو فرض آنها هم تصدیق کرده باشند متعاقباً اعتراضات و اکثریت اهالی نسبت بانجمن کافی بوده است که تجدید نظری در انجمن سابق بشود و شکایات متحصنین از قبیل آقا شیخ عبداللہ و سایر وجوه اهالی که همان

وقت در بدو معرفی انجمن در تلگرافخانه رفته بودند البته در دفتر ایالتی کرمان و کابینه وزارت داخله موجود است )

بله اولاً انجمن امهار ورقه اعتراضیه را نتوانست است بشناسد تا نایب صدیق می کند یک استادی که ضمیمه این دوسه است که نایب الحکومه های وقت صحت انتخاب انجمن اولیه را تصدیق کرده اند و اینها مجبور میشوم این دوسه را تا آخر بخوانم برای اینکه آن تلگرافات و آن نوشتهجات و آن اسناد و فرامین و احکامیکه راجع به صحت انجمن اولیه بوده است آنها خوانده شود که وقتی این انجمن جعلی و ساختگی بر میدارد مینویسد که حکومت های اولیه صحت تشکیل انجمن سابق را تصدیق نکرده اند معلوم باشد که آنها تصدیق کرده اند اینها را میخوانم برای اینکه آقایان نمایندگان محترم هم یک قدری از خواب بیدار شوند

این حق قضاوت را چه ماده از مواد قانون بانجمن نظارت بم داده است که آن ها قضاوت کنند ( لوفرض که آنها هم تصدیق کرده باشند متعاقباً اعتراضات اکثریت اهالی نسبت بان انجمن کافی بوده است که تجدید نظری در انجمن سابق بشود )

خواهش میکنم آقای مغیر باهر کسی که از این اعتراضات دفاع میکند فرماید که بر طبق چه ماده از مواد قانون اینها ورود شکایات را کافی دانستند برای اینکه تجدید نظری در تشکیل انجمن بشود باید مستند بیک ماد از قانون باشد آنوقت نسبت بشکایات متحصنین هم جواب میدهند که در دفتر ایالتی کرمان و کابینه وزارت داخله موجود است بنده هم میگویم موجود است .

( جواب دوم اعتراضیه که راجع به توقیف انتخابات مطابق ماده ۴۴ قانون انتخابات نموده اند با اینکه این ماده در این مورد صدق نمیکند جواباً اشعار میدارد در صورتیکه تمام اهالی یک ولایتی اساساً بر علیه کلیه اعضاء انجمن نظارت معترض باشند )

اینجا میخواستند بشنوند معترض خوشبختانه نوشته اند معترض ( البته ایجاب میکند که تجدید نظر و اصلاحی در اعضاء انجمن نظارت محل بعمل آمد )

بعلاوه باز این مطلب اولی را تکرار کرده اند و کلیه اهالی را بلفظ مطلق گفته اند البته اینها از اهالی جابلقا و جابلسا بوده اند که این اعتراضات را کرده اند حتی یک فرد را هم استثناء نمیکند که بر علیه این انجمن معترض نبوده میگویند چون کلیه اهالی معترض بوده اند و البته این مجوز قانونی میشود برای اینکه تجدید نظری در انتخاب انجمن بشود البته آنها می گویند که شکایت کرده اند و تلگراف و عراضی

فرستاده اند آنها از اهالی بم نموده اند اهالی بم تمام بر آن انجمن اعتراض داشته اند باین جهت یک وجه قانونی برای انحلال انجمن اولیه و تشکیل انجمن دوم بدست آورده اند ( جواب سوم ) چون سئوالی کوشته اند ضمیمه این دوسه نیست ولی از جواب که خوانده میشود معلوم میشود ( بطوریکه معترضین در دوره اعتراضیه خودشان اشعار داشته اند اعلان انتخابات از طرف حکومت وقت در صورتیکه سرطمان داده شده در صورتیکه اهالی در عرض مدت مدتی مطلع بوده اند که انتخابات شروع و جریان پیدا خواهد کرد معیناً قبل از شروع بتوزیع تعرفه سه روز هم احتیاطاً انتشار اعلان نمود )

این جواب دیگر بکلی رفع هر اشکالی را از آقایان میکند که اگر بغوا ندهد به - بینه جریان انتخابات بر طبق قانون بوده است یا نه .

این جوابی که انجمن نظار به معترضین که میگویند وجود نداشته اند جهت این که تمام مخالف بودند اثبات میکند آن چیزی را که بنده ابتدا عرض کردم میگویند ( اعلان انتخابات از طرف حکومت وقت داده شده )

این جوابی که انجمن نظار به معترضین که میگویند وجود نداشته اند جهت این که تمام مخالف بودند اثبات میکند آن چیزی را که بنده ابتدا عرض کردم میگویند ( اعلان انتخابات از طرف حکومت وقت داده شده )

فرستاده اند آنها از اهالی بم نموده اند اهالی بم تمام بر آن انجمن اعتراض داشته اند باین جهت یک وجه قانونی برای انحلال انجمن اولیه و تشکیل انجمن دوم بدست آورده اند ( جواب سوم ) چون سئوالی کوشته اند ضمیمه این دوسه نیست ولی از جواب که خوانده میشود معلوم میشود ( بطوریکه معترضین در دوره اعتراضیه خودشان اشعار داشته اند اعلان انتخابات از طرف حکومت وقت در صورتیکه سرطمان داده شده در صورتیکه اهالی در عرض مدت مدتی مطلع بوده اند که انتخابات شروع و جریان پیدا خواهد کرد معیناً قبل از شروع بتوزیع تعرفه سه روز هم احتیاطاً انتشار اعلان نمود )

این جواب دیگر بکلی رفع هر اشکالی را از آقایان میکند که اگر بغوا ندهد به - بینه جریان انتخابات بر طبق قانون بوده است یا نه .

این جوابی که انجمن نظار به معترضین که میگویند وجود نداشته اند جهت این که تمام مخالف بودند اثبات میکند آن چیزی را که بنده ابتدا عرض کردم میگویند ( اعلان انتخابات از طرف حکومت وقت داده شده )

این جوابی که انجمن نظار به معترضین که میگویند وجود نداشته اند جهت این که تمام مخالف بودند اثبات میکند آن چیزی را که بنده ابتدا عرض کردم میگویند ( اعلان انتخابات از طرف حکومت وقت داده شده )

این جوابی که انجمن نظار به معترضین که میگویند وجود نداشته اند جهت این که تمام مخالف بودند اثبات میکند آن چیزی را که بنده ابتدا عرض کردم میگویند ( اعلان انتخابات از طرف حکومت وقت داده شده )

این جوابی که انجمن نظار به معترضین که میگویند وجود نداشته اند جهت این که تمام مخالف بودند اثبات میکند آن چیزی را که بنده ابتدا عرض کردم میگویند ( اعلان انتخابات از طرف حکومت وقت داده شده )

این جوابی که انجمن نظار به معترضین که میگویند وجود نداشته اند جهت این که تمام مخالف بودند اثبات میکند آن چیزی را که بنده ابتدا عرض کردم میگویند ( اعلان انتخابات از طرف حکومت وقت داده شده )

این جوابی که انجمن نظار به معترضین که میگویند وجود نداشته اند جهت این که تمام مخالف بودند اثبات میکند آن چیزی را که بنده ابتدا عرض کردم میگویند ( اعلان انتخابات از طرف حکومت وقت داده شده )

این جوابی که انجمن نظار به معترضین که میگویند وجود نداشته اند جهت این که تمام مخالف بودند اثبات میکند آن چیزی را که بنده ابتدا عرض کردم میگویند ( اعلان انتخابات از طرف حکومت وقت داده شده )

این جوابی که انجمن نظار به معترضین که میگویند وجود نداشته اند جهت این که تمام مخالف بودند اثبات میکند آن چیزی را که بنده ابتدا عرض کردم میگویند ( اعلان انتخابات از طرف حکومت وقت داده شده )

این جوابی که انجمن نظار به معترضین که میگویند وجود نداشته اند جهت این که تمام مخالف بودند اثبات میکند آن چیزی را که بنده ابتدا عرض کردم میگویند ( اعلان انتخابات از طرف حکومت وقت داده شده )











صحيح است بانه ؟ علی الخصوص که باب  
تهمت و افتراء بقدری در این مملکت باز  
است و بقدری وسیع است که حدو حصر  
ندارد .  
بنده هم عیناً همان کار را کرده ام و  
يك نفر آدمی را که طرف اطمینان خودم  
و حسن ظن اهالی بود بدمت تفتیش فرستادم  
مفتش هم رفت به محل و رسیدگی کرد  
دید حقیقتاً اظهار تکرانی که می کنند صحیح  
است ....

آقا میرزا شهاب - آن يك نفر که  
بود ؟  
آقای سردار معظم - آقای دیوان بیگی  
مفتش من بود و بواسطه اظهار تکرانی می کنند  
و میگویند با این انجمن نظارت و معلمین  
آزادی نخواهد بود و نتیجه انتخابات را قبلاً  
میتوان پیش بینی کرد و برای مرید اطمینان  
و اینکه هر قدر ممکن باشد با احتیاط عمل  
شود دهنوی از اهالی بی شد و با آنها گفته

ش با رأی مخفی تا ایلات خودتان را  
نسبت باشخاصی که محل اطمینان شماست  
و ممکن است با عضویت آنها انجمن نظارت  
تشکیل شود معین کنید رأی مخفی گرفته  
شد يك عده معین شدند که از میان آن عده  
يك عده دعوت شدند برای عضویت انجمن  
تا این مرحله نه حرف ناظم التجار در بین بود  
و نه موضوع انتخاب ایشان بود حتی ناظم  
زاده پس ناظم التجار خودش یکی از اعضاء  
انجمن بود که انتخاب شده بود طرفداران  
آقای ناظم التجار تا آن وقت نه شکایت  
می کردند نه اعتراض می کردند تا اینکه

این مرحله پیش آمد طرفداران رفیعی رفتند  
و با خودشان قراردادهائی بستند و آمدند  
گفتند که ما از تعویق و مساعدت با انتخاب  
رفیعی صرف نظر می کنیم بشرط اینکه شما  
هم بیاید با یکوت یک کنید و با هم متفق بشویم  
در انتخابات در آنجا ناظم زاده تغییر رویه  
دادند و وقتی که در مرتبه بارقای رفیعی  
مصادو هم آواز شده شروع کردند بغافل  
کردن و تصدیق می فرمایند که رأی آقای  
ناظم زاده دوسه نفر از طرف داران رفیعی  
کافی نیست که هر روز يك طرفی برای  
انتخابات اتخاذ کنند انجمن نظار که تعیین  
شدو محل اعتماد نبود و مورد شکایت اهالی  
واقع شده بود نتوشد انجمن دیگری که

با مراجعه با اهالی معین شده بود سه نفر از  
اعضای این انجمن حاضر نشدند وقتی که  
استنکاف میکنند و کسی قبول نمی کند  
عضویت را تکلیف چیست نمی شود که انتخابات  
را معطل گذاشت این بود که در عوض آن  
دو نفر با سه فرستادگان از اشخاصی که اهالی  
نسبت با آنها هم اظهار اعتماد کرده بودند  
انتخاب شد و در میان انجمن نظارت تانی  
چند نفری هم از اعضاء انجمن اولی بودند  
و یکی دونفر از اعضاء انجمن اولی دفتر  
انتخابات را که مطابق آن دفتر صدور

انتخابات را که مطابق آن دفتر صدور  
انتخابات را که مطابق آن دفتر صدور

هفتاد ورقه تعرفه فقط در قصبه بم داده  
بودند یا خودشان به تلگرافخانه بردند  
و تا وقتی که بنده به بم رفتم آن دفتر را میتوان  
سند حقانیت خودشان نگاهداشته بودند  
این نکته را هم عرض کنم که تمام این قضایا  
که اتفاق افتاده با اطلاع رئیس دولت  
بود چنانکه تلگرافهای اینجاست که یکی  
در فرقه اش را میخوانم که آقای آقامیرزا  
شهاب نفرمایند بدون اطلاع رئیس دولت  
بوده است با اینکه رئیس دولت پس از  
اطلاع از سوء جریان جریان را توقیف  
کردند تلگرافی که رئیس الوزرا در آن زمان بمن  
میکند این است:

ایالت جلیله - از تجدید انتخاب بم  
مطلع شدم امیدوارم که دیگر عاظمی پیش  
نیاید .  
۲۱ - سنبله - غر فلان .  
خلاصه تا اینکه بر حسب امر رئیس  
دولت بنده خودم رفتم؛ بم پس از ورود به  
بم اعلان منتشر کردم و آن اعلان اینجاست  
این است:

ش با رأی مخفی تا ایلات خودتان را  
نسبت باشخاصی که محل اطمینان شماست  
و ممکن است با عضویت آنها انجمن نظارت  
تشکیل شود معین کنید رأی مخفی گرفته  
شد يك عده معین شدند که از میان آن عده  
يك عده دعوت شدند برای عضویت انجمن  
تا این مرحله نه حرف ناظم التجار در بین بود  
و نه موضوع انتخاب ایشان بود حتی ناظم  
زاده پس ناظم التجار خودش یکی از اعضاء  
انجمن بود که انتخاب شده بود طرفداران  
آقای ناظم التجار تا آن وقت نه شکایت  
می کردند نه اعتراض می کردند تا اینکه

این مرحله پیش آمد طرفداران رفیعی رفتند  
و با خودشان قراردادهائی بستند و آمدند  
گفتند که ما از تعویق و مساعدت با انتخاب  
رفیعی صرف نظر می کنیم بشرط اینکه شما  
هم بیاید با یکوت یک کنید و با هم متفق بشویم  
در انتخابات در آنجا ناظم زاده تغییر رویه  
دادند و وقتی که در مرتبه بارقای رفیعی  
مصادو هم آواز شده شروع کردند بغافل  
کردن و تصدیق می فرمایند که رأی آقای  
ناظم زاده دوسه نفر از طرف داران رفیعی  
کافی نیست که هر روز يك طرفی برای  
انتخابات اتخاذ کنند انجمن نظار که تعیین  
شدو محل اعتماد نبود و مورد شکایت اهالی  
واقع شده بود نتوشد انجمن دیگری که

با مراجعه با اهالی معین شده بود سه نفر از  
اعضای این انجمن حاضر نشدند وقتی که  
استنکاف میکنند و کسی قبول نمی کند  
عضویت را تکلیف چیست نمی شود که انتخابات  
را معطل گذاشت این بود که در عوض آن  
دو نفر با سه فرستادگان از اشخاصی که اهالی  
نسبت با آنها هم اظهار اعتماد کرده بودند  
انتخاب شد و در میان انجمن نظارت تانی  
چند نفری هم از اعضاء انجمن اولی بودند  
و یکی دونفر از اعضاء انجمن اولی دفتر  
انتخابات را که مطابق آن دفتر صدور

انتخابات را که مطابق آن دفتر صدور  
انتخابات را که مطابق آن دفتر صدور

کردم که اگر آزادی انتخاب با حسن جریان  
انتخابات را میخواهید شما باید عرض اینک  
در تلگرافخانه متحصن شوید ، عرض اینک  
اوراق تعرفه راست قرار دهید بر روی تعرفه  
بگیرید رأی بدهید هر کس جایز اکثریت  
شد او وکیل است آقایان قانع می شدند  
در این بین تلگرافی می رسید که با  
نشاری کنید مقاومت کنید عنقریب قصبه  
حل میشود .  
بالاخره بعد از وصول يك همچو تلگرافاتی  
مردم آن عده بنده در تلگرافخانه متحصن شده  
بودند باز کوهی میشدند میرفتند سر مرحله  
اول و خیال میکردند در طهران يك خبری  
هست يك تصدیقات مهمی اتخاذ شده فوری  
تمام زمناهی که کشیده شده بود میرفت  
بی کار خودش علی الخصوص که متحصنین  
تلگرافخانه دودسته بودند و هر دو دسته هم  
هر دو هم چادر را کرده بودند .  
من نمیدانم يك نفر مأمور که میخواهد  
مأموریت کند علت اینکه باید يك سلسله  
اظهارات اهمیت بدهد و بيك دسته دیگر  
اهمیت ندارد چیست ؟

عاطی ندارد بالاخره بعد از آنکه  
تواستم موفق شوم باینکه با تصایح خودم  
قصبه را حل کنم مجبور شدم و تلگراف  
کردم بر رئیس دولت و رئیس دولت هم امر  
کردن که انتخابات را توقیف کنید بنده  
هم فوراً انتخابات بم را بموجب اسنادی  
که خواندم و انتخاب سایر نقاط را توقیف  
کردم و تفتیش انتخابات به معاضد اعظم  
کار گزار کرمان داده شد بعد نمی دانم  
چه علت از مرکز این مسئله تعقیب شد  
و پس از چندی به بنده مجدداً تلگراف  
میکردند که فلان نقطه را انتخاباتش را  
تمام کنید .  
سیرجان چون حرفی نداد انتخاباتش  
را تمام کنید و يك از این قساطی د  
توقیف شده بود تلگراف کردند که از  
توقیف خارج کنید اما نسبت با انتخابات  
بم هیچ دستور بمن نرسیده بود و بیان  
جهت بنده آنجا را ساحت که کرده بودم  
تا اینکه تلگراف رئیس الوزرا همان  
تلگرافی که آقای آقا میرزا شهاب در  
صدورش تردید داشتند و امروز میبوش  
اینجا است و بیان نسبت نفهمیدن زبان  
فارسی را بمن دادند و گفتند که این تلگراف  
حکم رفع از توقیف نیست . این تلگراف  
بمن رسید که میخوانم .

ایالت جلیله - از تجدید انتخاب بم  
مطلع شدم امیدوارم که دیگر عاظمی پیش  
نیاید .  
۲۱ - سنبله - غر فلان .  
خلاصه تا اینکه بر حسب امر رئیس  
دولت بنده خودم رفتم؛ بم پس از ورود به  
بم اعلان منتشر کردم و آن اعلان اینجاست  
این است:

ایالت جلیله - از تجدید انتخاب بم  
مطلع شدم امیدوارم که دیگر عاظمی پیش  
نیاید .  
۲۱ - سنبله - غر فلان .  
خلاصه تا اینکه بر حسب امر رئیس  
دولت بنده خودم رفتم؛ بم پس از ورود به  
بم اعلان منتشر کردم و آن اعلان اینجاست  
این است:

ایالت جلیله - از تجدید انتخاب بم  
مطلع شدم امیدوارم که دیگر عاظمی پیش  
نیاید .  
۲۱ - سنبله - غر فلان .  
خلاصه تا اینکه بر حسب امر رئیس  
دولت بنده خودم رفتم؛ بم پس از ورود به  
بم اعلان منتشر کردم و آن اعلان اینجاست  
این است:

ایالت جلیله - از تجدید انتخاب بم  
مطلع شدم امیدوارم که دیگر عاظمی پیش  
نیاید .  
۲۱ - سنبله - غر فلان .  
خلاصه تا اینکه بر حسب امر رئیس  
دولت بنده خودم رفتم؛ بم پس از ورود به  
بم اعلان منتشر کردم و آن اعلان اینجاست  
این است:

توقیف نکرده ام از طرف دولت امر شده  
بنده هم اجراء کرده ام .  
آقا میرزا شهاب - صورت تلگراف  
را بخوانید .  
سردار معظم - پیش بنده نیست در  
دفتر کابینه ریاست وزرا است . بگریه  
بخوانید این قسمت که وظیفه من نیست  
عیناً همین طوریکه آقا فرمودند بنده هم  
تلگراف کردم بالاخره بنده میرسم که  
میسراختن موجب انتخابات یعنی چه ؟ آقای  
آقا میرزا شهاب که فارسی خوب می دانند  
بفرمایند که انتخاباتی که در حالت توقیف  
است و حکم می رسد موجبات جریان آنرا  
میسرازد یعنی چه ؟ یعنی صندوق ها را  
حمل کنید بجای دیگر که جریان پیدا کند  
خیر اینطور نیست یعنی انتخابات را که در  
حال توقیف است رفع توقیفش را بکنید  
و جریان بینا زید بنده هم همین کار را  
کردم ولی در اینجا يك منطق عجیبی پیش  
می آید امروز آقای آقا میرزا شهاب خیلی  
زبردستانه در این مطلب جلو رفتند برای  
اینکه يك سدی جلوی من باشد زیرا  
ایشان متذکر شدند که من جواب می دهم  
چطور توقیف انتخابات که يك پایه و مجوز  
قانونی ندارد وقتی که از طرف دولت امر  
میرسد باید اجراء کرد و اما رفع توقیف که  
پایه و مجوز قانونی هم دارد نباید اجراء کرد  
این است است معنائش ؟

رفقای من الان بمن می نویسند که  
اظهاری که بنده راجع به شیخی کرده ام  
اسباب گدورت آقایان شده بنده نظر توهینی  
نداشتم قصدی نداشتم که توهین کنم و اگر  
بلا اراده نسبت بکسی توهین کرده ام قدر  
می خواهم عرض کردم که ایشان در جزو  
این طبقه هستند عیبی ندارد قصدم توهین  
بکسی نبود ایشان فرمودند که رئیس الوزرا  
که در آن زمان وزیر داخله هم بودند  
انتخابات را توقیف نکردند جریان سوء  
انتخابات را توقیف کرده معنای این چیست ؟  
یعنی چه ؟  
اولاً رئیس الوزرا بعد از آن زمان و رئیس الوزرا  
فرق نمیکند در آن زمان در وزارت داخله يك کفیل  
بود و کانه خود رئیس الوزرا و وزیر داخله بود  
- الان هم يك نفر کفیل وزارت داخله هست  
و مثل این است که خود رئیس الوزرا  
وزیر داخله است و آن وقت هم رئیس الوزرا  
وزیر داخله بود و حق داشته است امر  
بتوقیف انتخابات بکند و بنده هم مکلف  
بتوقیف انتخابات یعنی اجراء اوامر  
رئیس الوزرا بودم شهاده چیز غریبی  
است !!

بنده این دلیل ایشان را تصدیق ندم چون  
در مملکت ما مأمورین و مرتوسین دولت  
حق ندارند احکام رؤسای مافوق خودشان  
را اجراء تطبیق با قانون بکنند بدمت بوقوع  
اجرا بگذارند و خود امر رئیس ما فوق  
پرونده و اگر این نوشته هم نباشد بنده می

بنده این دلیل ایشان را تصدیق ندم چون  
در مملکت ما مأمورین و مرتوسین دولت  
حق ندارند احکام رؤسای مافوق خودشان  
را اجراء تطبیق با قانون بکنند بدمت بوقوع  
اجرا بگذارند و خود امر رئیس ما فوق  
پرونده و اگر این نوشته هم نباشد بنده می

بنده این دلیل ایشان را تصدیق ندم چون  
در مملکت ما مأمورین و مرتوسین دولت  
حق ندارند احکام رؤسای مافوق خودشان  
را اجراء تطبیق با قانون بکنند بدمت بوقوع  
اجرا بگذارند و خود امر رئیس ما فوق  
پرونده و اگر این نوشته هم نباشد بنده می

بنده این دلیل ایشان را تصدیق ندم چون  
در مملکت ما مأمورین و مرتوسین دولت  
حق ندارند احکام رؤسای مافوق خودشان  
را اجراء تطبیق با قانون بکنند بدمت بوقوع  
اجرا بگذارند و خود امر رئیس ما فوق  
پرونده و اگر این نوشته هم نباشد بنده می

گویم باید شکایات باشد ولی خواستم قدر  
برای ایشان کافی است لهذا بنده در هر  
مأموریتی که بدمت میدادم وقتی که رئیس  
ما فوق امر بکنند بنده اجراء می کنم و  
هیچ اعتراضی هم بمن نیست اگر امر  
کرد انتخابات را توقیف کنم با وجود  
اینکه برخلاف قانون هم باشد باید اجراء کنم  
خاصه در مملکت ما که احتیاجات مملکتی  
اینطور اقتضا می کنند که يك چیزهایی را  
انسان رعایت کند و بهین ملاحظه هم  
هست که در این دوره و دوره گذشته گفته  
شد که باید تجدید نظر در قانون انتخابات  
بشود که این مدایب فعلی قانون انتخابات  
مرتفع شود که هر روز دچار این محظورات  
و مشکلات نشویم پس بموجب این تلگراف  
رئیس الوزرا که صریحاً دال بر امر رفع  
توقیف است مرا مقید و مکلف می کرد  
که فوراً رفع توقیف را بنمایم و بنده هم  
فوراً همین کار را کردم و نتیجه انتخابات این  
شدها حالا بینیم که اصلاً اسناد مدارگی  
که آقای میرزا شهاب اینجا اقامه فرمودند  
چیست ؟  
حقیقتاً یا مسائلی است که اگر رسماً  
و صورتاً هم مهم نباشد اخلاقاً مهم باشد  
يك نوشته که دارای هفت هشت اعتراض  
است در حاشیه و متن و ایشان اینجا خوانده اند  
و بیشتر تکیه اعتراضاتشان بر این نوشته بود  
این نوشته است در این نوشته در موقعی که  
کسیه مهر جلوشان بوده است مهر بمر کرده  
اند اتفاقاً يك مهر زنه در آن کبسه بوده  
ای این ورقه زده اند و چون در مملکت  
ما زنها حق انتخاب ندارند و شکایت از  
انتخابات را کسانی میتوانند بکنند که حق  
انتخاب دارند بنده اینجا می بینم يك مهر  
زنانه خورده غیر النساء فاطمه . . .  
میرزا شهاب - پس انتخابات هم هیچ  
شاکری نداشته است و تمام اسناد جعلی  
است

سردار معظم - این ورقه عرض طولی  
که باعث اینهمه چیزها بود خواهش میکنم  
ملاحظه بفرمایند البته عرض نمیکنم در بم  
شاکری نداشته بنده صحیح ترین انتخابات را  
آن انتخاب میدانم که شکایات داشته باشد  
چرا برای آنکه دو دسته هستند آزادانه  
شکایت میکنند تلگراف میکنند از این  
جهت انتخابات شکایتی صحیح است و بالاخره  
بودن این شکایت دلیل ستم انتخابات نیست  
بر هکس انتخابات بی سر و صدا فرمایشی  
است  
خوب البته معلوم است در محل دسته  
بندی هست مردم آزادانه این میخواهند آن  
را انتخاب کنند و آن میخواهند این را انتخاب  
کنند با نهایت آزادی هم رأی میدهند هم  
شکایت می کنند پس آقا میفرمایند نباید  
شکایت کنند؟  
در حال بنده این مهر را از این نقطه  
نظر خواندم که در جلسه اول آقای آقامیرزا  
شهاب خیلی تکیه باین نوشته کرده  
پرونده و اگر این نوشته هم نباشد بنده می

سردار معظم - این ورقه عرض طولی  
که باعث اینهمه چیزها بود خواهش میکنم  
ملاحظه بفرمایند البته عرض نمیکنم در بم  
شاکری نداشته بنده صحیح ترین انتخابات را  
آن انتخاب میدانم که شکایات داشته باشد  
چرا برای آنکه دو دسته هستند آزادانه  
شکایت میکنند تلگراف میکنند از این  
جهت انتخابات شکایتی صحیح است و بالاخره  
بودن این شکایت دلیل ستم انتخابات نیست  
بر هکس انتخابات بی سر و صدا فرمایشی  
است  
خوب البته معلوم است در محل دسته  
بندی هست مردم آزادانه این میخواهند آن  
را انتخاب کنند و آن میخواهند این را انتخاب  
کنند با نهایت آزادی هم رأی میدهند هم  
شکایت می کنند پس آقا میفرمایند نباید  
شکایت کنند؟  
در حال بنده این مهر را از این نقطه  
نظر خواندم که در جلسه اول آقای آقامیرزا  
شهاب خیلی تکیه باین نوشته کرده  
پرونده و اگر این نوشته هم نباشد بنده می

سردار معظم - این ورقه عرض طولی  
که باعث اینهمه چیزها بود خواهش میکنم  
ملاحظه بفرمایند البته عرض نمیکنم در بم  
شاکری نداشته بنده صحیح ترین انتخابات را  
آن انتخاب میدانم که شکایات داشته باشد  
چرا برای آنکه دو دسته هستند آزادانه  
شکایت میکنند تلگراف میکنند از این  
جهت انتخابات شکایتی صحیح است و بالاخره  
بودن این شکایت دلیل ستم انتخابات نیست  
بر هکس انتخابات بی سر و صدا فرمایشی  
است  
خوب البته معلوم است در محل دسته  
بندی هست مردم آزادانه این میخواهند آن  
را انتخاب کنند و آن میخواهند این را انتخاب  
کنند با نهایت آزادی هم رأی میدهند هم  
شکایت می کنند پس آقا میفرمایند نباید  
شکایت کنند؟  
در حال بنده این مهر را از این نقطه  
نظر خواندم که در جلسه اول آقای آقامیرزا  
شهاب خیلی تکیه باین نوشته کرده  
پرونده و اگر این نوشته هم نباشد بنده می

سردار معظم - این ورقه عرض طولی  
که باعث اینهمه چیزها بود خواهش میکنم  
ملاحظه بفرمایند البته عرض نمیکنم در بم  
شاکری نداشته بنده صحیح ترین انتخابات را  
آن انتخاب میدانم که شکایات داشته باشد  
چرا برای آنکه دو دسته هستند آزادانه  
شکایت میکنند تلگراف میکنند از این  
جهت انتخابات شکایتی صحیح است و بالاخره  
بودن این شکایت دلیل ستم انتخابات نیست  
بر هکس انتخابات بی سر و صدا فرمایشی  
است  
خوب البته معلوم است در محل دسته  
بندی هست مردم آزادانه این میخواهند آن  
را انتخاب کنند و آن میخواهند این را انتخاب  
کنند با نهایت آزادی هم رأی میدهند هم  
شکایت می کنند پس آقا میفرمایند نباید  
شکایت کنند؟  
در حال بنده این مهر را از این نقطه  
نظر خواندم که در جلسه اول آقای آقامیرزا  
شهاب خیلی تکیه باین نوشته کرده  
پرونده و اگر این نوشته هم نباشد بنده می

سردار معظم - این ورقه عرض طولی  
که باعث اینهمه چیزها بود خواهش میکنم  
ملاحظه بفرمایند البته عرض نمیکنم در بم  
شاکری نداشته بنده صحیح ترین انتخابات را  
آن انتخاب میدانم که شکایات داشته باشد  
چرا برای آنکه دو دسته هستند آزادانه  
شکایت میکنند تلگراف میکنند از این  
جهت انتخابات شکایتی صحیح است و بالاخره  
بودن این شکایت دلیل ستم انتخابات نیست  
بر هکس انتخابات بی سر و صدا فرمایشی  
است  
خوب البته معلوم است در محل دسته  
بندی هست مردم آزادانه این میخواهند آن  
را انتخاب کنند و آن میخواهند این را انتخاب  
کنند با نهایت آزادی هم رأی میدهند هم  
شکایت می کنند پس آقا میفرمایند نباید  
شکایت کنند؟  
در حال بنده این مهر را از این نقطه  
نظر خواندم که در جلسه اول آقای آقامیرزا  
شهاب خیلی تکیه باین نوشته کرده  
پرونده و اگر این نوشته هم نباشد بنده می

دیدم تمام چادرها خالی است زیر متحصنین  
می رفتند منزل خودشان می خوابیدند و  
بند عصری یکی دوساعت می آمدند آنجا  
تفتیش می کردند علی الخصوص که دینم يك  
ضرب می خوردی من متوجه رئیس تلگراف  
میکم زیرا آزمون مال رئیس تلگراف  
خانه بود و او يك حقی از این کار می  
برد و برای اینکه از چادر نشین ها يك  
حق الارض می گرفت  
این بود که بنده هم متعرض نشدم  
پس اینکه بنده چادرها را خواباندم و  
اقدامات کردم در بر جبین آنها این قسمت  
را بنده عرض می کنم موافق با حقیقت  
نست و از آقایانی که آنجا تشریف داشتند  
آقای آقا شیخ فرح اله بودند که بنده خیال  
میکم بتوانند شهادت بدهند که تا روز  
حرکت بنده چادرها سر جایشان بودند  
و هیچ دست نخورده بودند يك قسمت دیگر  
که اعتراض فرمودند این بود که بنده  
بقوه قهریه فرستادم و رئیس قشون کرمان  
امردادم و رفته بقوه قهریه اسناد متحصنین  
را گرفت و چنانکه قبل از تنفس عرض  
کردم آن اسنادی که در دست یکی دو  
نفر از اعضاء انجمن سابق بود دقتی بود  
که اسم صد و شصت نفر تعرفه گیرنده  
نوشته شده و یکی دوقره هم مراسلاتی بود  
که مابین انجمن نظارت و کفیل حکومت  
رد و بدل شده بود

باجودیکه این اسناد اسناد انجمن  
نظارت بود برای تصویب باید در انجمن  
نظارت باقی بماند و کسی حق نداشت آنها  
را از انجمن نظارت خارج کند و با وجود  
اینکه دفاتر انتخابیه برای جریان انتخابات  
لازم بود بنده برای اینکه گفته نشود که  
اسناد يك عده شاکری را گرفته ام يك  
نفر مفتش دفتر ایالتی کرمان را باریس  
ساخلو و رئیس تلگرافخانه بم فرستادم و  
گفتم تمام اوراقی که در دست آقایان است  
سواد مصدق با آنها بندند و اصل را بیاورند  
این بود که همین کار را هم کردند و اصل را  
آوردند و بمن هم انجمن نظار سپردم  
این قسمت چه ایرادی دارد؟  
در صورتی که این اسناد حق اسناد  
انجمن نظارت بود معهنا من با مضای رئیس  
قشون و رئیس تلگرافخانه  
و رئیس ساخلوی کرمان  
کلیه اسنادی که راجع بانجمن نظار بود  
سواد برداشته و با آقایان دادند و اصل را  
تحویل انجمن نظار دادم  
از این جهت طرز فرمایش و اظهار تکیه  
ایشان فرمودند مقرون بحقیقت نمی باشد  
یکی از دلایلی که آقای میرزا شهاب  
اینجا اقامه فرمودند راجع بتصدیق عدم  
صحیح انتخابات بم از طرف دونفر از اعضاء  
انجمن نظارت بود و تلگرافش را اینجا  
خواندمه اگر چه این صورت

اولاً تحصنشان بی مورد است بجهت  
اینکه امنیت کامل در شکایات خودتان بهر  
مقام معلی دارید  
تانیاً چادر زدن در بیرون تلگراف  
خانه بی مورد است ولی بعد متذکر و  
متوجه شدم باینکه اگر اقدام بکنم در  
جمع کردن چادرها شاید مثل همین دو  
جلسه اخیر که يك تعبیراتی شد يك چیز  
هائی در اطراف این موضوع گفته بشود  
باین جهت بنده از اقدام باین کار صرف  
نظر کردم و آقایان نمایندگان کرمان  
می توانند شهادت بدهند که تا روز حرکت  
من دریم چادرها در جای خودشان باقی  
بود و حتی آروز صبحی که بنده خودم  
از بم حرکت می کردم  
اتفاقاً از چاری چادرها می گذشتم

اولاً تحصنشان بی مورد است بجهت  
اینکه امنیت کامل در شکایات خودتان بهر  
مقام معلی دارید  
تانیاً چادر زدن در بیرون تلگراف  
خانه بی مورد است ولی بعد متذکر و  
متوجه شدم باینکه اگر اقدام بکنم در  
جمع کردن چادرها شاید مثل همین دو  
جلسه اخیر که يك تعبیراتی شد يك چیز  
هائی در اطراف این موضوع گفته بشود  
باین جهت بنده از اقدام باین کار صرف  
نظر کردم و آقایان نمایندگان کرمان  
می توانند شهادت بدهند که تا روز حرکت  
من دریم چادرها در جای خودشان باقی  
بود و حتی آروز صبحی که بنده خودم  
از بم حرکت می کردم  
اتفاقاً از چاری چادرها می گذشتم

اولاً تحصنشان بی مورد است بجهت  
اینکه امنیت کامل در شکایات خودتان بهر  
مقام معلی دارید  
تانیاً چادر زدن در بیرون تلگراف  
خانه بی مورد است ولی بعد متذکر و  
متوجه شدم باینکه اگر اقدام بکنم در  
جمع کردن چادرها شاید مثل همین دو  
جلسه اخیر که يك تعبیراتی شد يك چیز  
هائی در اطراف این موضوع گفته بشود  
باین جهت بنده از اقدام باین کار صرف  
نظر کردم و آقایان نمایندگان کرمان  
می توانند شهادت بدهند که تا روز حرکت  
من دریم چادرها در جای خودشان باقی  
بود و حتی آروز صبحی که بنده خودم  
از بم حرکت می کردم  
اتفاقاً از چاری چادرها می گذشتم

اولاً تحصنشان بی مورد است بجهت  
اینکه امنیت کامل در شکایات خودتان بهر  
مقام معلی دارید  
تانیاً چادر زدن در بیرون تلگراف  
خانه بی مورد است ولی بعد متذکر و  
متوجه شدم باینکه اگر اقدام بکنم در  
جمع کردن چادرها شاید مثل همین دو  
جلسه اخیر که يك تعبیراتی شد يك چیز  
هائی در اطراف این موضوع گفته بشود  
باین جهت بنده از اقدام باین کار صرف  
نظر کردم و آقایان نمایندگان کرمان  
می توانند شهادت بدهند که تا روز حرکت  
من دریم چادرها در جای خودشان باقی  
بود و حتی آروز صبحی که بنده خودم  
از بم حرکت می کردم  
اتفاقاً از چاری چادرها می گذشتم

دیدم تمام چادرها خالی است زیر متحصنین  
می رفتند منزل خودشان می خوابیدند و  
بند عصری یکی دوساعت می آمدند آنجا  
تفتیش می کردند علی الخصوص که دینم يك  
ضرب می خوردی من متوجه رئیس تلگراف  
میکم زیرا آزمون مال رئیس تلگراف  
خانه بود و او يك حقی از این کار می  
برد و برای اینکه از چادر نشین ها يك  
حق الارض می گرفت  
این بود که بنده هم متعرض نشدم  
پس اینکه بنده چادرها را خواباندم و  
اقدامات کردم در بر جبین آنها این قسمت  
را بنده عرض می کنم موافق با حقیقت  
نست و از آقایانی که آنجا تشریف داشتند  
آقای آقا شیخ فرح اله بودند که بنده خیال  
میکم بتوانند شهادت بدهند که تا روز  
حرکت بنده چادرها سر جایشان بودند  
و هیچ دست نخورده بودند يك قسمت دیگر  
که اعتراض فرمودند این بود که بنده  
بقوه قهریه فرستادم و رئیس قشون کرمان  
امردادم و رفته بقوه قهریه اسناد متحصنین  
را گرفت و چنانکه قبل از تنفس عرض  
کردم آن اسنادی که در دست یکی دو  
نفر از اعضاء انجمن سابق بود دقتی بود  
که اسم صد و شصت نفر تعرفه گیرنده  
نوشته شده و یکی دوقره هم مراسلاتی بود  
که مابین انجمن نظارت و کفیل حکومت  
رد و بدل شده بود

باجودیکه این اسناد اسناد انجمن  
نظارت بود برای تصویب باید در انجمن  
نظارت باقی بماند و کسی حق نداشت آنها  
را از انجمن نظارت خارج کند و با وجود  
اینکه دفاتر انتخابیه برای جریان انتخابات  
لازم بود بنده برای اینکه گفته نشود که  
اسناد يك عده شاکری را گرفته ام يك  
نفر مفتش دفتر ایالتی کرمان را باریس  
ساخلو و رئیس تلگرافخانه بم فرستادم و  
گفتم تمام اوراقی که در دست آقایان است  
سواد مصدق با آنها بندند و اصل را بیاورند  
این بود که همین کار را هم کردند و اصل را  
آوردند و بمن هم انجمن نظار سپردم  
این قسمت چه ایرادی دارد؟  
در صورتی که این اسناد حق اسناد  
انجمن نظارت بود معهنا من با مضای رئیس  
قشون و رئیس تلگرافخانه  
و رئیس ساخلوی کرمان  
کلیه اسنادی که راجع بانجمن نظار بود  
سواد برداشته و با آقایان دادند و اصل را  
تحویل انجمن نظار دادم  
از این جهت طرز فرمایش و اظهار تکیه  
ایشان فرمودند مقرون بحقیقت نمی باشد  
یکی از دلایلی که آقای میرزا شهاب  
اینجا اقامه فرمودند راجع بتصدیق عدم  
صحیح انتخابات بم از طرف دونفر از اعضاء  
انجمن نظارت بود و تلگرافش را اینجا  
خواندمه اگر چه این صورت

اولاً تحصنشان بی مورد است بجهت  
اینکه امنیت کامل در شکایات خودتان بهر  
مقام معلی دارید  
تانیاً چادر زدن در بیرون تلگراف  
خانه بی مورد است ولی بعد متذکر و  
متوجه شدم باینکه اگر اقدام بکنم در  
جمع کردن چادرها شاید مثل همین دو  
جلسه اخیر که يك تعبیراتی شد يك چیز  
هائی در اطراف این موضوع گفته بشود  
باین جهت بنده از اقدام باین کار صرف  
نظر کردم و آقایان نمایندگان کرمان  
می توانند شهادت بدهند که تا روز حرکت  
من دریم چادرها در جای خودشان باقی  
بود و حتی آروز صبحی که بنده خودم  
از بم حرکت می کردم  
اتفاقاً از چاری چادرها می گذشتم

اولاً تحصنشان بی مورد است بجهت  
اینکه امنیت کامل در شکایات خودتان بهر  
مقام معلی دارید  
تانیاً چادر زدن در بیرون تلگراف  
خانه بی مورد است ولی بعد متذکر و  
متوجه شدم باینکه اگر اقدام بکنم در  
جمع کردن چادرها شاید مثل همین دو  
جلسه اخیر که يك تعبیراتی شد يك چیز  
هائی در اطراف این موضوع گفته بشود  
باین جهت بنده از اقدام باین کار صرف  
نظر کردم و آقایان نمایندگان کرمان  
می توانند شهادت بدهند که تا روز حرکت  
من دریم چادرها در جای خودشان باقی  
بود و حتی آروز صبحی که بنده خودم  
از بم حرکت می کردم  
اتفاقاً از چاری چادرها می گذشتم

اولاً تحصنشان بی مورد است بجهت  
اینکه امنیت کامل در شکایات خودتان بهر  
مقام معلی دارید  
تانیاً چادر زدن در بیرون تلگراف  
خانه بی مورد است ولی بعد متذکر و  
متوجه شدم باینکه اگر اقدام بکنم در  
جمع کردن چادرها شاید مثل همین دو  
جلسه اخیر که يك تعبیراتی شد يك چیز  
هائی در اطراف این موضوع گفته بشود  
باین جهت بنده از اقدام باین کار صرف  
نظر کردم و آقایان نمایندگان کرمان  
می توانند شهادت بدهند که تا روز حرکت  
من دریم چادرها در جای خودشان باقی  
بود و حتی آروز صبحی که بنده خودم  
از بم حرکت می کردم  
اتفاقاً از چاری چادرها می گذشتم

اولاً تحصنشان بی مورد است بجهت  
اینکه امنیت کامل در شکایات خودتان بهر  
مقام معلی دارید  
تانیاً چادر زدن در بیرون تلگراف  
خانه بی مورد است ولی بعد متذکر و  
متوجه شدم باینکه اگر اقدام بکنم در  
جمع کردن چادرها شاید مثل همین دو  
جلسه اخیر که يك تعبیراتی شد يك چیز  
هائی در اطراف این موضوع گفته بشود  
باین جهت بنده از اقدام باین کار صرف  
نظر کردم و آقایان نمایندگان کرمان  
می توانند شهادت بدهند که تا روز حرکت  
من دریم چادرها در جای خودشان باقی  
بود و حتی آروز صبحی که بنده خودم  
از بم حرکت می کردم  
اتفاقاً از چاری چادرها می گذشتم

در ضمن بیاناتی که آقای آقا میرزا شهاب  
میرمودند فرمودند خود انجمن این قسمت  
را تکذیب کرده در کجا در آنجا یکی کدر  
صورت مجلس می نویسد (در مقابل شکایاتی  
که نسخ آن را در اینجا عرض کردم می نویسد  
یکسده از آنها را اگر چه نشانختم معهنا  
جواب اعتراضات فلان و فلان است ) آقای  
آقامیرزا شهاب این قسمت از اظهارات انجمن  
را نقطه فرمودند و فرمودند چهارم می شود  
انجمن نظارت اگر اعمال عرض نمی کرد  
وامهار معلی را نشانختم يك همچو بیانی  
بعبارت تردید یا نسبت عرض اینجا فرمودند  
بعضی از آقایان بنده می نویسند که بنده  
رضایت بدمم که بقیه مذاکرات بماند برای  
جلسه بعد فرق نمی کند منوط برای مجلس  
است .  
بعضی از نمایندگان - غیر خیر در همین  
جلسه باید تمام شود  
مدرس - خیر همین جلسه مذاکرات  
را تمام کنید سه جلسه است مجلس بیست  
هزار تومان خرج کرده است برای اتمام این  
کار و سه بیست هزار تومان نمی آرد  
سردار معظم - در همان ضمنی که تردید  
میکنند عقیده تمام انجمن نظارت را  
ترتیب اثری بآن نمیدهند به رأی دونفر  
از اعضاء انجمن ترتیب اثر می دهند علی  
الخصوص دونفری که خودشان هم صورت  
مجلس وهم اعتبارنامه را امضا کرده اند اما  
هلت اینکه این تلگراف صادر شده است  
چیست علتش را بجا میگویم در مهر کردن  
اولی آزاد بوده اند و در صورت تلگراف شکایت  
با مضاف دونفر بکند رأی آزادی نداشته اند  
و برای اینکه آقای آقامیرزا شهاب فرمایند  
بر خلاف است بنده فقط نظر بم تلگراف  
را بایشان عرض می کنم و استدعا می کنم  
از همان مجاری که تلگراف رمز بنده را از  
وزارت داخله تحصیل فرمودند  
آقامیرزا شهاب - تهمت از نیند بوزارت  
داخله تمام تلگرافات در دوسه است  
سردار معظم - کله تهمت را بنده به  
ایشان مسترد می دارم من تهمت نمی زنم  
معمولاً تمام تلگرافات در دوسه نیست  
بعضی از نمایندگان - خیر هست  
سردار معظم - خوب هست یا نیست  
فرق نمیکند این اهمیت ندارد بالاخره بنده  
تخواستم حمله بوزارت داخله بکنم که  
ایشان دفاع میکنند اگر در دوسه هست بهتر  
و اگر نیست بيگ وسایلی برای اثبات اینکه  
تلگراف ثانوی زیاد مهم نبود ۱۱۷ رمز  
وزارت داخله را بگیری بخواهند بنابراین  
بنده مطمئن هستم که در دوسه نیست در  
هر حال تلگراف دوم بر حسب ششانی بود  
که يك عده از آقایان از اینجا میگرددند  
تلگراف مغایره میکردند و بالاخره در محل  
هم اقداماتی میشد  
اگر چه همانطوری که عرض کردم  
نهایت تشکر را از مأمورین مقیم کرمان دادم  
زیرا همه بوظیفه خود رفتار کردند و در

دیدم تمام چادرها خالی است زیر متحصنین  
می رفتند منزل خودشان می خوابیدند و  
بند عصری یکی دوساعت می آمدند آنجا  
تفتیش می کردند علی الخصوص که دینم يك  
ضرب می خوردی من متوجه رئیس تلگراف  
میکم زیرا آزمون مال رئیس تلگراف  
خانه بود و او يك حقی از این کار می  
برد و برای اینکه از چادر نشین ها يك  
حق الارض می گرفت  
این بود که بنده هم متعرض نشدم  
پس اینکه بنده چادرها را خواباندم و  
اقدامات کردم در بر جبین آنها این قسمت  
را بنده عرض می کنم موافق با حقیقت  
نست و از آقایانی که آنجا تشریف داشتند  
آقای آقا شیخ فرح اله بودند که بنده خیال  
میکم بتوانند شهادت بدهند که تا روز  
حرکت بنده چادرها سر جایشان بودند  
و هیچ دست نخورده بودند يك قسمت دیگر  
که اعتراض فرمودند این بود که بنده  
بقوه قهریه فرستادم و رئیس قشون کرمان  
امردادم و رفته بقوه قهریه اسناد متحصنین  
را گرفت و چنانکه قبل از تنفس عرض  
کردم آن اسنادی که در دست یکی دو  
نفر از اعضاء انجمن سابق بود دقتی بود  
که اسم صد و شصت نفر تعرفه گیرنده  
نوشته شده و یکی دوقره هم مراسلاتی بود  
که مابین انجمن نظارت و کفیل حکومت  
رد و بدل شده بود

باجودیکه این اسناد اسناد انجمن  
نظارت بود برای تصویب باید در انجمن  
نظارت باقی بماند و کسی حق نداشت آنها  
را از انجمن نظارت خارج کند و با وجود  
اینکه دفاتر انتخابیه برای جریان انتخابات  
لازم بود بنده برای اینکه گفته نشود که  
اسناد يك عده شاکری را گرفته ام يك  
نفر مفتش دفتر ایالتی کرمان را باریس  
ساخلو و رئیس تلگرافخانه بم فرستادم و  
گفتم تمام اوراقی که در دست آقایان است  
سواد مصدق با آنها بندند و اصل را بیاورند  
این بود که همین کار را هم کردند و اصل را  
آوردند و بمن هم انجمن نظار سپردم  
این قسمت چه ایرادی دارد؟  
در صورتی که این اسناد حق اسناد  
انجمن نظارت بود معهنا من با مضای رئیس  
قشون و رئیس تلگرافخانه  
و رئیس ساخلوی کرمان  
کلیه اسنادی که راجع بانجمن نظار بود  
سواد برداشته و با آقایان دادند و اصل را  
تحویل انجمن نظار دادم  
از این جهت طرز فرمایش و اظهار تکیه  
ایشان فرمودند مقرون بحقیقت نمی باشد  
یکی از دلایلی که آقای میرزا شهاب  
اینجا اقامه فرمودند راجع بتصدیق عدم  
صحیح انتخابات بم از طرف دونفر از اعضاء  
انجمن نظارت بود و تلگرافش را اینجا  
خواندمه اگر چه این صورت

اولاً تحصنشان بی مورد است بجهت  
اینکه امنیت کامل در شکایات خودتان بهر  
مقام معلی دارید  
تانیاً چادر زدن در بیرون تلگراف  
خانه بی مورد است ولی بعد متذکر و  
متوجه شدم باینکه اگر اقدام بکنم در  
جمع کردن چادرها شاید مثل همین دو  
جلسه اخیر که يك تعبیراتی شد يك چیز  
هائی در اطراف این موضوع گفته بشود  
باین جهت بنده از اقدام باین کار صرف  
نظر کردم و آقایان نمایندگان کرمان  
می توانند شهادت بدهند که تا روز حرکت  
من دریم چادرها در جای خودشان باقی  
بود و حتی آروز صبحی که بنده خودم  
از بم حرکت می کردم  
اتفاقاً از چاری چادرها می گذشتم

اولاً تحصنشان بی مورد است بجهت  
اینکه امنیت کامل در شکایات خودتان بهر  
مقام معلی دارید  
تانیاً چادر زدن در بیرون تلگراف  
خانه بی مورد است ولی بعد متذکر و



انتخابات هوماً بیطرف بودند و هیچ نوع دخالتی نکرده اند ولی خوب هم کرمان نیست ممکن است مأمورین محلی آنها یک اقداماتی در انتخابات کرده باشند بنابراین عرض میکنم تلگراف دوم آزادانه صادر نشده یکی از مسائلی که آقای میرزاشهاب اینجایان فرمودند و مدرك قراردادند برای حقانیت خودشان رایورث تلگرافی رئیس تلگرافخانه هم بود را یورث را اینجا خواندند .

بنده گویا یک مختصر اشاره از علل صدور آن رایورث را بیان کردم و اگر چه این قسمت راجع به ارتباطات شخصی است .

ولی برای اینکه علت صدور این قبیل رایورث ها را عرض کنم مجبورم یک مطلبی را عرض کنم که در زمان ریاست وزراتی حضرت آقای مشیرالدوله بنده مجبور شدم بایشان تلگرافاً عرض و استدعا کنم که رایورث های تلگرافی کرمان بدون تحقیق ترتیب اثر ندهند

چرا؟ برای اینکه در تهران در زمان زمانم یک دسته بندی هائی شده بود و یک متینک هائی بر علیه من داده میشد و غالب شکایات هم توسط رئیس تلگرافخانه میشد آقایانی که در کرمان بوده اند بخوبی ارتباطات شخصی آقای میرزاشهاب را با رئیس تلگرافخانه آنها و مسئله انتساب ایشان را با مشارالیه که بوسیله محاسب الدوله که یکی از دوستان ایشان است میدانند و این مسئله محل تردید نیست و چون از این ارتباطات خصوصی مطلع بودم

برئیس دولت تلگراف کردم که بدون تحقیق بسطه شکایات اهیت ندهند همین مسئله را اینجا عرض میکنم که تلگرافات آنوقت از نقطه نظر حقیقت مطلب هیچ نوع سندی ندارند

یکی از مسائلی که آقای میرزاشهاب اظهار فرمودند این که مردم همه گناهشان این بود که میخواهند یک نفر از آزادی خواهان را انتخاب بکنند و باین جرم بنده از آنها جلوگیری کردم

در این خصوص باید عرض کنم که آقای آقامیرزاشهاب مدتی است در کرمان تشریف ندارند و شاید در آن زمانی هم که کرمان بوده اند اصلاً دردم نبوده اند و اگر هم بوده اند بنده نمی دانم و در هر حال همیشه میدانم مدتی است ایشان از کرمان دور افتاده اند بنده بایشان اطمینان می دهم که انتخاب نشدن آن شخص آزادخواه محتاج به هیچ اقدامی نیست زیرا خود مردم انتخاب نمی کنند و مدتش محتاج اقدام است و اگر کسی بخواهد او را انتخاب کند باید مستحبت و متوسل شود خود مردم طیبه تأیید خواهند و میل ندارند ایشان را انتخاب کنند

خیال نفرمائید که مردم ولایات

مخصوصاً ولایات دور دست حالت روحی شان تغییر کرده است بنده حقیقت یک مطلبی را عرض کردم و از هم خیال میکنم آقای آقا شیخ فرج الله که در آنجا بودند میدانند اینصکه بنده اسم ایشان را میبرم برای این است که ایشان تا مراحل آخر در کرمان بوده اند و مراتب را تصدیق خواهند کرد سید علی خانی بود دریم پیرافروش نفرمائید که سرحد بلوچستان است یعنی در آنجاها آنطور که افکار باید روشن و منور باشد نیست و خیلی تا مرکز بعد مسافت دارد یک سید علی خانی بود دریم که رئیس کیسیون اجرائیه محلی دمو کرات است؟ حالا این کیسیون کارش چیست؟

در این قسمت این نکته را باید متذکر شوم که آقایان دمو کرات های کرمان مکرر اعتراض کردند به دمو کرات های محلی بماد آنها را منع کردند که از این قبیل مداخلات خودداری کنند این کیسیون کارش چیست؟

کارش اینست که بکارهای مردم رسیدگی میکند و مأمور اجرای احکام آن کیسیون سید علی خان بود که هر کاری میخواست میسر کرد

خیال میفرمائید در محل اکثریت طبیعی دارند؟ حالا بنده راجع باصل کانیدنا از نقطه نظر نزاکت وارد نشوم و الا خدا شاهد است که برای آن گانه بداهه موقع ندارد که بنده درم یار سایر جاهای دیگر کرمان قوایم را تهمیز کنم برای تأمین یک مقصودی که خود مردم طرفدار آن مقصود نیستند

پس بدلائلی که عرض کردم اعتراضات آقای میرزا شهاب وارد نیست در انتخابات دیگر عرضی نکرده و موکول بنظر خود آقایان میکنم باز اگر محتاج عرض بنده شد حق بنده محفوظ است

(جمعی از نمایندگان مذاکرات کافی است)

رئیس - آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمائید

(جمع کثیری قیام نمودند)

رئیس - معلوم میشود کافی است برای اینجاست یعنی تا تجدید نظر در قانون انتخابات عمل بسایه میکند بهما افلا این نکات را در قانون تصویب کنند و برای هر مورد یک جزائی قائل شود که مردم دچار اشکال شوند اگر موضوع توقیف انتخابات است این اصل را در تمام موارد انتخابات باید اجرا شود علت ندارد هم در یکجا قائل شویم که انتخابات صحیح است و بجرم و تعدیل انجمن نظارت بپردازیم در یکجا بل مزاحمت و تعرض قبول بشود و در یکجای دیگر مورد اعتراض واقع بشود سابقه و روح قانون انتخابات همه جا باید ملحوظ شود زیرا دولت حکام وولات را مشول در نظارت انتخابات میدانند و در حدود اجرای این مشولت آنها مکتفند

انتخابات را از مجرائی که جریان پیدایی کند تصحیح و تسجیل کنند همین اصلی که در سایر نقاط بوده است در بهم بوده است و همانطور که در سایر نقاط نفوذ های محلی بود در بهم بود و در آنجا ها هم دو دسته بودند پس اگر بخواهیم درست قضاوت و حکمت کنیم علت ندارد آن اعتراضاتی که در جریان انتخابات سایر جاها مورد قبول نمیشود در انتخابات هم بشود

یکی از اعتراضاتی که آقا کردند این بود که مدت اعلان کم بود حال آنکه اینطور نیست و مطابق صورت مجلس در دفعه اول که اعلان منتشر شد ۲۰ روز مدت معین شد ولی با وجود این بنده یک مثلی دارم آن انتخابات فسا در دوره چهارم است و اگر آقایان مراجعه بکنند خواهند دید که مدت اعلانی که در آنجا بوده بدون هیچ مقدمه چهار روز بوده و مجلس هم بدون هیچ اعتراضی تصدیق کرده و رای داده است پس بنا بر این همین عمل سابقه است و همین سابقه علامت است که این مسئله نمی تواند انتخابات را نقض کند بلی

یک نفری از طرف بنده شده است ولی این یک قصوری نیست که بتواند انتخابات را را باطل کند بنده انتخابات فساد در دوره چهارم بطور شاهد و مثل عرض کردم صورت مجلس آن هم در دسترس است موجود است و اگر آقایان بخواهند مراجعه کنند ممکن را باطل کند بنده انتخابات فساد در دوره چهارم بطور شاهد و مثل عرض کردم صورت مجلس آن هم در دسترس است موجود است و اگر آقایان بخواهند مراجعه کنند ممکن را باطل کند بنده

آقای سید یعقوب تمام کلمات را میخواند جواب بدهید

سردار معظم - بسیار خوب گرچه یاد داشت بنده نام نکرده ولی نظر باینکه آقایان میفرمایند باختصار جواب بده از این جهت دیگر عرضی نکرده و موکول بنظر خود آقایان میکنم باز اگر محتاج عرض بنده شد حق بنده محفوظ است

(جمعی از نمایندگان مذاکرات کافی است)

رئیس - آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمائید

(جمع کثیری قیام نمودند)

رئیس - معلوم میشود کافی است برای اینجاست یعنی تا تجدید نظر در قانون انتخابات عمل بسایه میکند بهما افلا این نکات را در قانون تصویب کنند و برای هر مورد یک جزائی قائل شود که مردم دچار اشکال شوند اگر موضوع توقیف انتخابات است این اصل را در تمام موارد انتخابات باید اجرا شود علت ندارد هم در یکجا قائل شویم که انتخابات صحیح است و بجرم و تعدیل انجمن نظارت بپردازیم در یکجا بل مزاحمت و تعرض قبول بشود و در یکجای دیگر مورد اعتراض واقع بشود سابقه و روح قانون انتخابات همه جا باید ملحوظ شود زیرا دولت حکام وولات را مشول در نظارت انتخابات میدانند و در حدود اجرای این مشولت آنها مکتفند

دیگر هم هست که خواننده نمیشود تدین - آن دوامضاء امضای بنده و آقا شیخ محمد علی تهرانی است

آقامیرزاشهاب - یک امضاء دیگر هم هست

رئیس - رای گرفته میشود با مهره آقایانیکه و کالت ایشان را تصویب میکنند مهره سفید و الامهره سیاه خواهند داد (اختیار آزاد بصل آمد)

رئیس - برای دو نفر از آقایان یک اشتباهی دست داده است که یکی ترمیم و اصلاحش ممکن است و دیگری گمان نمیکند ترمیمش ممکن باشد یکی اینکه آقای فتح الله میرزا اظهار میداند که در بین رای دادن مهره تفتیشیه را توی طرف انداخته اند و رای نداده اند و حال آنکه تقاضا دارند بایشان اجاره داده شود رای بدهند ولی چون مهره تفتیشیه را توی طرف انداخته اند گویا دیگر نتوانند رای بدهند

بعضی از نمایندگان صحیح است آقای محمدولی میرزا هم میگویند که هم رایشان و هم مهره تفتیشیه شان را انداخته اند توی این طرف یا این - این یکی اصلاحش آسان است زیرا رای خودشان را داده اند مهره تفتیشیه که زیادی است محسوب نمیشود در این دو فقره مطلب اشکالی نیست جمعی از نمایندگان خیر (تمداد آراء بعمل آمد و نتیجه بترتیب ذیل حاصل شد مهره تفتیشیه ۱۰۶ مهره سفید ۶۱ مهره سیاه ۸)

رئیس - عدده حضار ۱۰۸ نفر مهره تفتیشیه ۱۰۶ یکی هم توی این طرف است صدو هفت با اکثریت ۶۱ رای تصویب شد رایورث شصه دوم نسبت بآقای نظام التولیه مطرح است . پیشنهادی از طرف آقای دولت آبادی رسیده است قرائت میشود

(شرح ذیل قرائت شد)

(دامی پیشنهاد میکنم که رایورث شصه راجع بنظام التولیه و سردار نصره و نراقی امروز از دستور خارج بشود دولت آبادی)

رئیس - آقایانی که خروج این سه فقره اعتبار نامه را از دستور ...

حاج میرزا عبدالوهاب خوب است یکی رای گرفته شود

رئیس - ایشان را بطور پیشنهاد کردند . حاج میرزا عبدالوهاب - بنده تقاضای تجزیه میکنم

رئیس - تقاضای تجزیه میکنید؟

حاج میرزا عبدالوهاب - بلی

رئیس - آقای نظام التولیه (اجازه)

نظام التولیه - بنده درخواست میکنم همین امروز رای گرفته شود برای اینکه سزاوار نیست بیش از چهار ماه یک نفر وکیل محلی اینجام معطل شود و بلا تکلیف بنانه

رئیس - آقای رئیس التجار (اجازه)

رئیس التجار - با اینکه بنده خودم مخالفم ولی باین پیشنهاد آقای دولت آبادی موافقم و او را تأیید میکنم

رئیس - (خطاب به حاج میرزا عبدالوهاب

از روی کدام ماده تقاضای تجزیه میکنید؟ حاج میرزا عبدالوهاب - بموجب ماده ۹۹ (ماده ۹۹ بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۹۹ در مسائل و مواردی که مشتمل بر فقرات مختلفه است اگر تجزیه آن ولواز طرف یک نفر خواسته شود باید آن ماده یا مسئله تقسیم شده و جزو و جزو رای گرفته شود ولی پس از آنکه در جزو آخر آرایش گرفته شد مجدداً باید در مجموع قسمت هائی که قبول شده است رای گرفته شود

یک نفر از نمایندگان - این مربوط باینجا نیست

حاج میرزا عبدالوهاب - این یکی از مسائل است

رئیس (مخالفی نیست که این مسئله شود آقای سردار معظم (اجازه)

سردار معظم - بنده برعکس موافقم با پیشنهاد آقای دولت آبادی و متذکر تجزیه هستم زیرا این تغییر دستور است و تقاضای تغییر دستور را بطور کلی تمایز کرده اند که این سه اعتبار نامه از دستور خارج شود علی الخصوص که در اصل رای هم تفاوتی حاصل نخواهد شد اهم از اینکه فرد فرد رای بدهند یا متفقاً بنا بر این خوب است بطور کلی رای گرفته شود

رئیس - (خطاب بآقای حاج میرزا عبدالوهاب) خوب تقاضای تجزیه می کنید؟

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده پس میگیرم

رئیس - رای میگیرم پیشنهاد آقای دولت آبادی آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمائید

(جمع کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . پیشنهاد آقای سردار معظم راجع بطبع صورت های مشروح مجلس مطرح است

( آقایان نمایندگان شروع بتحصیل اجازه نمودند)

رئیس بقدر کفایت اینجا اسمی ثبت شده است گویا بآقایانی که حالا اجازه می خواهند نوبت مذاکره نرسد

سردار معظم - بنده سؤالی دارم

رئیس - راجع به همین مطلب است

سردار معظم - بلی

رئیس - بفرمائید

سردار معظم - نظر باینکه این پیشنهاد بکیسیون نرفته که مدافعی داشته باشد اما استعمال میکنم آیا پیشنهاد کننده حق دارد بعنوان مغبری دفاع کند یا نه باید بترتیب حرف زد . چون این مطلب را نمیدانستم برسیدم

رئیس - تکلیفش را باید مجلس معین کند

سردار معظم چون پیشنهادی مدافعی باید داشته باشد . همینطور لوابی که از طرف دولت میآید و بکیسیونها میروند نماینده دولت از آن دفاع میکنند و چون این مسئله تنها راجع ببنده نیست و راجع بعموم است از اینجهت خوبست قبل از تکلیفش تعیین شود که آیا مدافع آن خود پیشنهاد کننده میتواند باشد یا خیر ؟ و چون این قاعده عمومی است و ممکن است برای همه پیش بیاید لهذا حش برای همه لازم است

رئیس - شما که پیشنهاد کننده هستید این حق را دارید که توضیح بدهید و بعد دیگران جواب بدهند و اما اینکه این حق را هم داشته باشید که مثل مغبر همیشه جواب بدهید تکلیف این را مجلس باید معین کند چون سابقه ندارد اگر میل دارید حالت تشریف بیازید و توضیح بدهید

سردار معظم - حال آنکه لوابی هر مطلب تازه که وارد مجلس میشود قهرآ یک موردی میخواند که آن موضوع برای بعد سابقه میشود و چون در نظام نامه ماده نیست که این مطلب را منع کند لذا ممکن است حالا پیشنهاد کننده دفاع کند و همین مسئله برای آتی سابقه بشود

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

حائریزاده - حال تقریباً نزدیک ظهر است و باینکه در این موضوع بنده هم موافق هستم ولی فوریت آن را هم چندان معتقد نیستم و جلسه بعد هم ممکن است در این موضوع مذاکره کرد لهذا استدعا میکنم این پیشنهاد را فعلاً از دستور خارج فرمائید و در مصالاب لازم تری گفتگو شود

رئیس - پیشنهاد بفرمائید

(پیشنهاد آقای حائریزاده بشرح آتی خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم فعلاً پیشنهاد آقای سردار معظم از دستور خارج شود آقای ملک الشراء مطلبی دارند اظهار دارند

رئیس - رای میگیرم باین پیشنهاد

آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمائید (فرد قلیبی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد . آقای میرزا شهاب (اجازه)

آقامیرزاشهاب - بنده متأسفانه از چند نقطه نظر باین پیشنهاد مخالفم . یکی اینکه بنده اغلب اوقات که در کیسیون بوده حاضر میشوم همیشه مبینم مذاکرات از هم توازن و تعادل بوده هائی ملکیتی اضافه خرج بردخل است و حتی همین امسال یک مبلغ زیادی کسر بوده داریم در اینصورت حالاً ما بیائیم و یک مبلغی که بالغ بر بیست و چهار پنج هزار تومان است برای طرح صورت مشروح نطق آقایان نمایندگان تصویب کنیم کاملاً بنده باین

اصل مخالفم و گمان میکنم در صورتی که مسلکت یک مبلغ معتدله کسر بوده دارد نه بنده بلکه اغلب از آقایان هم حاضر نخواهند شد که یک همچو تهمیلی باز بر بوده مملکت بشود

بنده عرض میکنم در صورتیکه فرضاً مملکت یک پول هائی هم داشته باشد که بتوان یک خرج هائی کرد مقدم بر همه چیز باشد اول ما باید یک کاری کنیم که آن عده که میخواهند نطق مشروح آقایان نمایندگان را بخوانند اقلاصدی یک سواد داشته باشند خود آقای سردار معظم پیشنهاد کننده معترم و سایر آقایان اغلب جاهارا دیده اند

بنده از کرمان اطلاع دارم و میدانم صدی دوسواد فارسی ندارند چه رسد باینکه نطق مشروح آقایان را خوانند و از آنها استفاده کنند

هرگاه چنین پولی در خزانه هست بهتر این است که صرف تعمیم حفظ الصحه بشود سال گذشته در کرمان که خود آقای سردار معظم مدتی حکومت داشته اند چهار هزار طفل از آبله مرده است بواسطه اینکه در کرمان مأمور حفظ الصحه نیست و بعد از چند سال که اداره حفظ الصحه در مملکت تشکیل شده است هنوز در آنجا یک مأموری که حقوق معینی داشته باشد وجود ندارد و از همین لحاظ یار سال چهار هزار طفل از آبله مرده است

سایر تلفات بجای خودش حالا با این وضع آسازوار است که مایک همچو چیزی را تصویب کنیم ؟ خوبست ما عوض اینکار قدری توسعه بکار بدهیم و مأمورین حفظ الصحه برای نقاط مملکت درست کنیم . چندین کاغذ توسط خود بنده بمجلس حفظ الصحه نوشته شد که از سال پیش یعنی سال قبل از قضیه وقوع هلاک چهار هزار طفل بنجامه حقوق مأمورین آبله کوبی که هر کدام شاید چهار تومان بوده عقب افتاده است آن مأمورین بدبخت را بدهند که افلا تشویق و ترغیب شده و بیشتر مراقبت و دقت کنند علاوه بر این بنده خیال میکنم تصویب این پیشنهاد تولید مرض داهه الکلام خواهد کرد و وقتی که بدانیم نطق مشروح و مشروح ما در روزنامه نوشته خواهد شد برای اینکه مو کلین بخوانند و ضمیمه یک زمینه انتخاباتی برای هم از این لحاظ بود ولی اگر در یک دوره دیگری بدون مقدمات و مؤخرات این پیشنهاد را ببینیم خیال میکنم که مجلس دوره پنجم هم چو رای داده است که سابقه در مقابل نفس قانون حجت است علاوه در نظامنامه داخلی هم در این موضوع تصریح دارد و در ماده ۱۸ و ۲۵ و ۱۱۵ اشاره شده است و بطولانی که باید در روزنامه رسمی درج شود اشاره شده است گذشته از این مخارج روزنامه رسمی بطوریکه آقای میرزاشهاب فرمودند پنجهزار تومان خرج دارد اینطور نیست

ما هم خوب نمیتوانند بخوانند . فرض این است اگر این مسئله بگذرد آتوخت هیچکاری از مجلس نخواهد گذشت زیرا همه حرف خواهند زد و در یک موضوع ملاحظه خواهید فرمود که چهل پنجاه نفر اجازه میخواهند و تمام وقت مجلس حرف زدن خواهد شد . برای اینکه میخواهیم نطق های مشروح و برجسته مادر روزنامه نوشته شود و کمتر وقتی است که رای بکفایت مذاکرات داده شود زیرا همه مایلند حرف بزنند از اینجهت و هم از نقطه نظر بوده بنده مخالفم

رئیس آقای اخگر (اجازه)

اخگر - بنده معتقدم که باید صورت مشروح مجلس و عین مذاکرات آقایان در روزنامه نوشته شود زیرا برخلاف نظر به آقای آقا میرزا شهاب که فرمودند وقتی بنده صورت مشروح مجلس در روزنامه نوشته شود مذاکرات مفصل و مبسوط خواهد شد . عقیده دارم که اگر این مسئله بگذرد مذاکرات آقایان نمایندگان خیلی مختصر خواهد بود و جملات زاهم کوتاه تر و موجز اظهار خواهند کرد و از اینجهت موجب صرفه جوئی اوقات مجلس خواهد گردید

مسئله دیگر این است که عده مقصود از تشکیل مجلس شورای ملی وضع قانونست و وضع قانون هم البته نمیشود مگر پس از یک سلسله مذاکراتی که در اطراف آن قانون از طرف مخالفین و موافقین می شود و بالتجربه آراء رای دهندگان بواسطه دلالتی که از طرف موافق و مخالف اظهار میشود باید معین شود قوانینی که نوشته میشود اگر بدون سابقه و اظهار دلیل از طرف موافق و مخالف نوشته شود اسباب اختلال حواس قارئین را فراهم خواهد آورد زیرا دلائلش را نمی فهمد و علاوه ممکن است موجبات یک سوء سابقه را فراهم بیاورد چنانچه در همین مجلس در چند جلسه قبل آقای تدین پیشنهاد کردند که در مقابل قانون سابقه حجت نیست در مجلس باین پیشنهاد رای داده نشد برای اینکه همین آقایانی که امروز نطق فرمودند اگر خاطرشان باشد بقدری این مسئله را بهیی و واضح میدانستند که محتاج باین پیشنهاد نمیدانستند و علت تصویب نشدن آن پیشنهاد هم از این لحاظ بود ولی اگر در یک دوره دیگری بدون مقدمات و مؤخرات این پیشنهاد را ببینیم خیال میکنم که مجلس دوره پنجم هم چو رای داده است که سابقه در مقابل نفس قانون حجت است علاوه در نظامنامه داخلی هم در این موضوع تصریح دارد و در ماده ۱۸ و ۲۵ و ۱۱۵ اشاره شده است و بطولانی که باید در روزنامه رسمی درج شود اشاره شده است گذشته از این مخارج روزنامه رسمی بطوریکه آقای میرزاشهاب فرمودند پنجهزار تومان خرج دارد اینطور نیست



